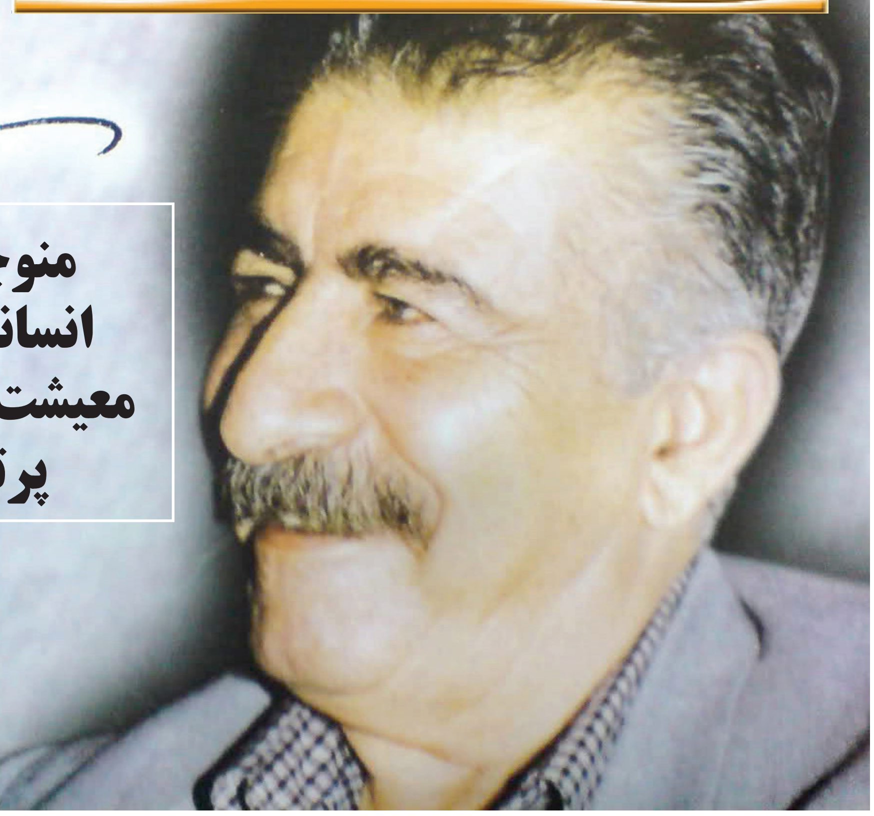
نسیم جنوب
www.nasimjonoub
سال بیست و چهارم – شماره ۹۸۱  سه شنبه  ۲ آذر ۱۴۰۰  ۸ صفحه – ۱۰۰۰ تومان

گرامی داشت
شانزدهمین سالکوچ
منوچهر آتشی



# منوچهر آتشی، انسانی در اندیشه معیشت، یا شاعری در پرتو اشراق؟

با آثاری از:
محمد محمدزاده
عبدالمجید زنگویی
شهراد میدری
حسین نوری فیروزی
اسکندر احمدنیا

## ویژه روز جهانی جلوگیری از خشونت بر علیه زنان

۴



### نه به خشونت ناآگاهانه یک زن بر علیه خودش!

مهدی امانی



### خشونت سفید در خانه

الهام میلکی



مصاحبه با دکتر مولود کیخسروانی روانشناس و مشاوره خانواده:

### هیچ‌کس نباید زیر سایه ترس از کسی که دوستش دارد، زندگی کند



### خشونت علیه زنان؛ از خانه تا محل کار

دکتر فاطمه بوالی



### خشونت پذیرفته شده در خانواده

دکتر عبدالصالح خزائی

۵

## برخورد با موضوع کالای ته‌لنجی در دیر مناسب نیست

امام‌جمعه دیر: برخوردی که در خصوص مسئله ته‌لنجی در دیر با مردم می‌شود در سایر شهرهای استان نمی‌شود، مگر عذاب بر دیر نازل شده که بعضی افراد با مردم این‌طور برخورد می کنند.
کالایی که گمرک جمهوری‌اسلامی به مردم تحویل می‌دهد را اگر از گمرک خارج شد قاچاق بنامیم در واقع مردم را رو در روی نظام قرار دادن است.
کسانی که بخواهند مردم را ناراضی و به اسم قانون به نظام بدبین کنند و گاهی اوقات هم نام مقام معظم رهبری را به میان می آورند که در راستای فرامین ایشان است، بزرگترین اهانت به مقام معظم رهبری این است که مردم را در مقابل ایشان قرار دهیم.

## دزدی ناکام طلافروشی در مرکز شهر بوشهر

دو دزد قصد دستبرد به یک طلافروشی در مرکز شهر بوشهر را داشتند که ناکام ماندند. به گفته یکی از شاهدان؛ یکی از دزدها فرار کرد و دیگری با همکاری مردم دستگیر و تحویل نیروی انتظامی شد.

## بهره‌برداری از آب‌شیرین‌کن بوشهر تا پایان امسال

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر گفت: آب‌شیرین کن ۱۷ هزار مترمکعبی بوشهر با ۷۰ درصد پیشرفت تا قبل از عیدنوروز تکمیل و افتتاح می‌شود.

## برگزاری رزمایش اقتدار بسیجیان در استان بوشهر

رزمایش اقتدار بسیجیان همزمان با سراسر کشور در شهرستان‌های ۱۰ گانه استان بوشهر برگزار شد.
به گزارش ایرنا، رزمایش اقتدار بسیجیان در مرکز استان بوشهر در مصلی این شهر با همت گروه‌های جهادی و با حضور گردان‌های تخصصی در عرصه‌های مختلف و برگزار و به این وسیله بسیجیان بار دیگر اقتدار خود را برای اجرای مأموریت‌ها به نمایش گذاشتند.
فرمانده سپاه امام صادق (ع) استان بوشهر در این آیین هدف از برگزاری رزمایش اقتدار بسیجیان را ایجاد شور و نشاط انقلابی عنوان کرد.
سردار علی رزمجو گفت: بسیج و تفکر بسیجی امروز در نقاط مختلف استان بوشهر متبلور و این فرهنگ در این استان تجلی یافته است.
وی ولایت‌مداری، مردمی بودن، شناخت زمان، امیدآفرینی، تکلیف گرا و نتیجه محور بودن را از ویژگی‌های بارز بسیج عنوان کرد.
فرمانده سپاه امام صادق (ع) استان بوشهر اضافه کرد: بسیج نیروی پر توان الهی است که برای نقش آفرینی در همه عرصه‌ها آمادگی دارد.
رزمجو یادآور شد: نام بسیج در همه عرصه‌های جامعه اعم از دفاعی، علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی، عمران، آبادانی و سیاسی مطرح است و حضور بسیج در این عرصه‌ها جلوه گری می کند.

## نان پروازی در استان بوشهر!

مدیرکل تعاون بوشهر: در این سال‌ها نه تنها مشکل مدیران پروازی داشته‌ایم، بلکه مشکل نان پروازی هم داریم. بخشی از نان مورد نیاز شرکت‌های نفت و گاز از طریق پرواز از استان‌های دیگر تامین می‌شود.

## میزان واکسیناسیون دانش‌آموزان برای بازگشایی مدارس کافی نیست

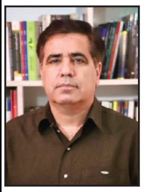
معاون بهداشتی دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر گفت: ۵۴ درصد از دانش‌آموزان ۱۲ تا ۱۸ سال هر دو نوبت واکسن کرونا را تزریق کرده‌اند که برای بازگشایی مدارس کافی نیست. برای فرهنگیان و دانش‌آموزانی که یک نوبت واکسن دریافت کرده باشند جهت حضور در مدارس، تا زمان تکمیل واکسیناسیون (۱۴ روز بعد از دریافت دو دُوز واکسن)، لازم است که هفته‌ای یکبار آزمایش PCR با نتیجه منفی به همراه داشته‌باشند.

## برخی از بانک‌های استان بوشهر، منابع خود را در سایر استان‌ها هزینه می کنند

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان بوشهر: میزان پرداخت تسهیلات در این استان ناچیز است در حالی که در برخی استان‌ها تسهیلات پرداختی از محل منابع و مصارف داخلی بانک‌ها به ۱۱۵ درصد می‌رسد. برخی از بانک‌های استان بوشهر فقط برای خود ارزش افزوده دارند و در بهترین مناطق استان بوشهر زمین و ساختمان تملک کرده و منابع خود را در سایر استان‌ها هزینه می کنند. ایرنا

سلامی و کلامی... یونس قیصی‌زاده

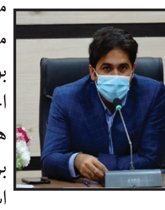
## مردم را عصبانی نکنید!



روزهای سخت یکی پس از دیگری می‌آیند و مردم در این وانفسای اقتصادی، منتظرند تا مسوولین مملکتی فارغ از شعار و تبلیغات و درگیری‌های جناحی و سیاسی، نیم‌نگاهی نیز به مشکلات آنها بیندازند. اکثریت مردم کارد به استخوان رسیده، منتظرَند تا مسوولین چاره‌ای اندیشیده و با استفاده از فرصت‌های پیش رو، به سمت عادی‌سازی روابط با دنیا و رفع تحریم‌ها و ایجاد اشتغال و رفع بیکاری و گره‌گشایی معیشتی و مهار تورم افسارگسیخته و مبارزه با اختلاس‌های کلان و نابودی فساد ساختاری و گشودن فضای سیاسی کشور و... و مهم‌تر از همه گشودن دریچه‌ای رو به آسمان امید و انگیزه‌ی زندگی، گام بردارند. ولی گویا از نظر برخی از مسئولان و تصمیم‌گیران، کشور با مسائلی مهم‌تر دست به گریبان است! این‌چنین است که یک‌دفعه در مجلس اقلیت، نگهداری سگ و گربه و خرگوش در خانه‌ها به مشکل اولویت‌دار مملکت بدل می‌شود و دل‌نگران از این موضوع، می‌خواهند با یک اقدام فوری، دمار از روزگار حیوانات اهلی و خانگی در بیاورند تا درس عبرتی شود برای مردمانی که به فکر نان شب هستند تا دیگر فکر نگهداری حیوانات اهلی به سرشان نزند و اختیار نوازش یک گربه‌ی بی‌آزار را هم نداشته باشند. تا حساب کار دست‌شان بیاید که چاردیواری چنان که قبلاً می گفتند اختیاری هم نیست! هنوز خیلی از مردم که نان شب‌شان به اینترنت گره خورده، از شوک خواب مجلس برای محدود کردن اینترنت و اضافه کردن سنگی بر سنگ‌های پیش رویشان بیرون نیامده‌اند که الان می‌شنویم باید نگران نگهداری حیوانات اهلی در خانه نیز باشیم. معلوم نیست براساس کدام حکم شرعی و حقوق عرفی، می‌خواهند نگهداری این حیوانات بی‌زبان را ممنوع و همین دلخوشی ساده را هم از بسیاری از شهروندان دریغ کنند! شگفت آن که هر چه مردم بیشتر در باتلاق مشکلات فرو می‌روند، برخی به سمت بستن و محدودیت و ممنوعیت امور عادی زندگی، بیشتر گام برمی‌دارند، گویا چنان از زندگی معمولی شهروندان، به دور افتاده و در فضای دیگری نفس می کشند که از جزیی‌ترین مطالبات مردم نیز بی‌خبر هستند و نمی‌دانند که این جامعه با چه بحران‌های عمیقی روبرو شده است.
شاید سر در برفِ بی‌تفاوتی فرو برده و هنوز متوجه نشده‌اند که سالیِ ۲ میلیون نفر به تعداد فقرای کشور اضافه می‌شود و ۳۰ میلیون نفر از هموطنان، اسیر چنگال مخوف فقر شده‌اند و در تامین حداقل‌های زندگی خود در مانده‌اند. شاید هنوز متوجه نشده‌اند اوضاعی بوجود آمده که جوانان و متخصصان کشور فوج‌فوج به دنبال مهاجرتند و سالانه بیش از هزار پزشک و صد هزار متخصص این مملکت که باید به این مردم و کشور خدمت کُنند، ناگزیر از مهاجرت شده‌اند و چمدان‌های خود را بسته و رفته‌اند. شاید هنوز از افزایش و صعود معضلات مختلف اجتماعی نظیر سرقت و اعتیاد و فحشا و... که به خاطر فقر و بیکاری دامنگیر بسیاری از خانواده‌ها شده بی‌اطلاعند. شاید هنوز نخوانده و نشنیده‌اند که موج مهیب فقر باعث ترک تحصیل یک میلیون دانش‌آموز این مملکت شده و یا حتی بسیاری از خانواده‌ها را مجبور کرده دختران نوجوان خود را قبل از سن ازدواج، شوهر دهند و با چشمان گریان شاهد کودک‌همسری دختران خود باشند، به طوری‌که با نزدیک به چهل هزار کودک‌همسری در سال، متاسفانه بعد از کشور فقیر گینه، به رتبه دوم کودک‌همسری در دنیا رسیده‌ایم!
احتمالاً برخی از نمایندگان از این وضعیت بحرانی کشور و مردم بی‌اطلاعند که به فکر گرفتن سگ و گربه و خرگوش خانه‌های مردم افتاده و دغدغه‌ی آنها فرستادن مامور به خیابان و خانه‌ها و پیدا کردن سگ و گربه از زیر تختخواب و پستوی کمد شده تا مردم را راهی محکمه و جریمه دادن و... کرده و زندگی عادی را به کام آنان تلخ کنند!
اگر مرهم نمی‌شوید حداقل دیگر نمک بر زخم دل این مردم نپاشید و آنها را با این کارها و تصمیمات خلق‌الساعه و بی‌ربط عصبانی نکنید.

مدیر اجرایی سازمان نظام مهندسی ساختمان بوشهر:

## زلزله‌های اخیر کشور برای سازندگان متخلف در استان بوشهر درس عبرت باشد



مدیر اجرایی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر گفت: زلزله های اخیر کشور و بویژه زلزله هرمزگان با بیش از ۶ ریشتر برای سازندگان متخلف این استان درس عبرت باشد.

به گزارش روابط عمومی سازمان نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر، وحید درمسرا در جمع خبرنگاران اظهار کرد: وقوع ۲ زلزله ۶,۳ و ۶,۴ ریشتری بندرعباس آن هم در کمتر از ۲ دقیقه تهدیدی بسیار بالا برای سازه‌های ساختمانی و با احتمال تلفات بالای انسانی بود که بدون شک تنها با ساخت و سازهای اصولی و مبتنی براستانداردهای مهندسی می توان مانع از بروز تبعات ناگوار آن شد.

وی افزود: حضور مهندسان ساختمان در فرایندهای احداث ساختمان بدون شک علاوه بر ارتقا کیفیت در ساخت و سازها حفظ سرمایه های ملی و مردمی به دنبال دارند که برای خرید یک واحد مسکونی باید هزینه ای میلیاردی را متحمل شوند.

درمسرا ادامه داد: برای نمونه در استان بوشهر هنوز مشاهده می شود برخی از مجتمع ها از جمله مجتمع‌های تجاری به عنوان اماکن عمومی بدون توجه به استانداردهای ساخت و ساز اقدام به احداث می‌کند و شهروندان نیز بدون شناخت از روند احداث هزینه‌هایی میلیاردی برای خرید واحدهای تجاری می کنند.

وی اظهار کرد: نظام مهندسی ساختمان استان بوشهر برحسب رسالت قانونی و انسانی خود را مکلف به ارائه خدمات در تمامی شهرهای استان می‌داند اما در این چند سال برخی از شهرهای استان بوشهر برای تحقق این موضوع کوتاهی می کنند.

درمسرا ادامه داد: امید است در شهرهایی که تاکنون روی خوشی به خدمات نظام مهندسی نشان ندادند در راستای حفظ جان و مال مردم تدبیری نو دراندازند و گشایشی برای ارائه خدمات نظام مهندسی ساختمان در شهرهای خود باشند.

درمسرا اظهار کرد: با همه این تهدیدهای ناشی از احداث‌های غیراصولی سازندگان بی شماری نیز در استان بوشهر هستند که استانداردسازی را بر حوزه فروش خود ترجیح می‌دهند که این رویکرد آنها قابل ستایش و تقدیر است.

وعده فرمانده نیروی هوایی:

## یک بیمارستان با تجهیزات روز دنیا تحویل مردم استان بوشهر می شود

فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران تاکید کرد: تلاش می‌شود همه بخش‌های بیمارستان امیرالمومنین پایگاه ششم شکاری شهید یاسینی بازسازی شود و به یک بیمارستان با تجهیزات روز دنیا تحویل مردم استان بوشهر شود.

به گزارش ایرنا، امیر حمید واحدی در آیین افتتاح بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان امیرالمومنین پایگاه ششم شکاری شهید یاسینی بوشهر گفت: با توجه به تاکید رهبر معظم انقلاب در جریان شیوع کرونا که ارتش باید پای کار باشد، سربازان ولایت در نیروی هوایی همیشه پای کار هستند.

افزود: در همین راستا نیروی هوایی همه تلاش خود را به کار گرفت تا بیمارستان امیرالمومنین پایگاه ششم شکاری شهید یاسینی بوشهر خدمات مناسبی به مردم ارائه کند. بیمارستان امیرالمومنین پایگاه هوایی شهید یاسینی ارتش در بوشهر با تجهیزات به روز در خدمت مردم این استان است. همه تلاش خود را به کار گرفتیم تا این بیمارستان بهسازی و به‌روزرسانی و با استقرار تجهیزات مناسب بهترین خدمات به مردم ارائه شود.

## از دست رفتن فرصت مناطق جنگی و عملیاتی برای کارمندان بوشهر، گناوه و دیلم

**علی هاشمی:** این روزها هر کس که اخبار استخدامی و تبدیل وضعیت را دنبال می کند کم و بیش با واژه رزمندگان موظفی آشنایی دارد. برای آشنایی بیشتر با این واژه خلاصه وار اشاره میکنم به مصوبات چند سال گذشته:

در تاریخ ۹۴/۰۴/۱۴ هیئت وزیران محترم به پیشنهاد مشترک ستاد کل نیروهای مسلح ، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ، بنیاد شهید و امور ایثارگران و سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد بند (ی) ماده (۴۴) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹ و تبصره بند (و) ماده (۱) قانون جامع خدمت رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱؛ سند راهبردی خدمت رسانی به رزمندگان را به شماره ۵۰۶۳۹/ ت۴۹۱۸۵ مورخ ۹۴/۰۴/۲۳ به تصویب رسانید.

سند راهبردی خدمت رسانی به رزمندگان در ۱۱ چشم انداز و ۷ هدف کلان و زیر مجموعه هایی تهیه و تدوین گردید که اهدف کلی آن خدمت رسانی هر چه بیشتر به جامعه هدف بود

در بند شماره ۹ خطوط راهنمای سند ، رزمندگان به دو گروه داوطلبانه و موظفی تقسیم می شوند. در تبصره شماره یک همین بند رزمندگان موظفی را اینگونه تعریف می کند: آن دسته از کارکنان دولت که در اجرای وظابف سازمان متبوع خود در طول جنگ تحمیلی در شهرهای مناطق جنگی و یا منطقه جنگی حضور داشته اند رزمنده موظفی تلقی می شوند. که قاعدتا از مزایای این سند راهبردی بهره مند می شوند.

در راستای این سند ستاد کل نیروهای مسلح طی نامه ای به سازمان برنامه و بودجه کشور به شماره ۳۶۱۰/۱۳۳۳/۲۸ مورخ ۹۶/۰۹/۲۸ مناطق جنگی در دوران دفاع مقدس را اعلام می کند که در این نامه شهرهای بوشهر ، گناوه ، دیلم و جزیره خارگ به عنوان مناطق جنگی و عملیاتی شناخته شده است.

اواسط مهر ماه بود که بصورت هماهنگ شده و بدون اینکه نامه ای تنظیم شده باشد اعلام شد شهرهای بوشهر ، گناوه و دیلم از مناطق جنگی خارج شده است. بعد از آن در اوایل آبان ماه بود که نماینده بوشهر، گناوه و دیلم وعده داد که موضوع رو با ستاد کل نیروهای مسلح پیگیری می کنند که هنوز هیچ نتیجه ای گزارش نشده است.

**منتظر اجرای وعده نماینده جمیری، نماینده بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس:**
**– پیگیری لازم برای اصلاح دستورالعمل حذف شهرستان‌های گناوه، دیلم و بوشهر از مناطق عملیاتی در حال انجام است**
**– با صحبتی که با وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح انجام شد، اعلام کردند موضوع بررسی می‌شود.**
**– انتظار می‌رود رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اصلاحیه ای در این خصوص داشته باشد و این بخشنامه به حالت اول بازگردد و مشکل برطرف شود.**

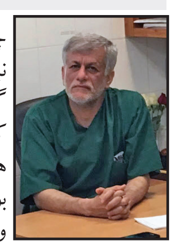
در همین چند روز اخیر نمایندگان دیگر مناطق جنگی که تا همین یک ماه پیش شهر بوشهر هم عضوشان بود در جلسه ای با حضور نمایندگان ستاد کل نیروهای مسلح موفق شدن امتیاز بسیار مهمی برای کارکنان دولت در مناطق جنگی در دوران دفاع مقدس کسب کنند. طبق مصوبه ای که نمایندگان مناطق جنگی موفق شدن با ستاد کل تهیه و تدوین کنن سه چهارم خدمت رزمندگان موظفی را معادل خدمت داوطلبانه در جبهه لحاظ شده ات. این مصوبه مهم مزایای بسیاری برای خانواده های این عزیزان دارد. از قبیل سهمیه در استخدام، تبدیل وضعیت ایثارگران که موضوع روز مجلس هست، سهمیه ایثارگران در کنکور و .... که میشد مردم بوشهر هم از این مزایا برخوردار شوند که متاسفانه با بی درایتی مسولین استان از کف رفت.

شهر بوشهر با این همه نقش بی بدیل در سالهای دفاع مقدس و موقعیت حساسی که در حال حاضر بواسطه نیروگاه اتمی و سرانه فضای نظامی بالایی که در مرکز شهر واقع شده، از کمترین مزایای مناطق جنگی بی بهره ماند تا طبق روال همیشه و با چراغ سبز مسولین در محروم ترین سطح به بقای خودش ادامه دهد.

## بیاد مروتها و لبخندهای مدافع شاهین بوشهر

### به مناسبت ۲٤ مین سالکوچ علی مصلح

دکتر عبدالرحیم مهرور



چه زود گذشت، آنچه که نباید به این زودی ها می گذشت. نامش علی بود از کوچه پس کوچه ها و زمین های خاکی جنوب شهرستان بوشهر(محله سرتل) با تعصب و چهره ای برجسته و وصف ناپذیری از غیور مردی بشاش که درایت و شهامتش در وصف نمی گنجد و با چنین روحیه پرشوری پا به عرصه فوتبال شاهین و منتخب بوشهر نهاد با قامتی برافراشته از مروت و رادمردی که شهره آفاق بود.

در زمینهای ورزشی جنگنده ، رزمنده و کوبنده و در قلب دفاع محکم ، استوار و پابرجا بود و در خارج از محدوده فوتبال بزرگ مردی متین ، فروتن و مردمی که معاشرت با او را خواستنی لذت بخش می کرد .

از علی مصلح می گویم که از مقطعی در دنیای فوتبالم افتخار شاگردی با ایشان را داشتم اماافسوس که زود گذشت آنچه که نباید به این زودیها می گذشت .

یاری مهربان و مصلحی همراه با تبسم هایی از لبخند و شکوه جوانمردی ، فداکاری و گذشت در جوانسالگی و در سن ۴۴ سالگی فوتبال ما را تنها گذاشت .

اکنون در بیست و چهارمین سالکوچ این فرزند دلیر مکتب شاهین بیاد شکیبایی هایش که در قامتی استوار و ستودنی از معرفت تعظیمش می کنیم و به اخلاق اسطوره ای و روان پاکش درود ها می فرستیم . و بجاست که از لطف ، صفا و مهمان نوازی برادرش سید جلال مصلح که همیشه مغازه اش بر روی فوتبال دوستان باز بود به پهنای قلب مهربانش تشکر ویژه ای کرد.




یاد باد آن روزگاران یاد باد. بیاد همه بخاک خفتگان فوتبال زرخیز بوشهر؛ پوربهی ، زنگویی ، گرانها ، کبگانی ، تورانی ، بوالخیری ، چاهی بخش ، خواجه ئیان ، برزین ، عالی غریبی ،ماهینی ها و ...

## شوق خواندن در دوران شور و نشاط جوانی


مکیه گرمسیری

در دوران نوجوانی علاقه مند به داستان های مهیج و پلیسی بودم، لذا کتابهای پرویز قاضی سعید مثل کتاب قلاب ماهی و داستان زیبای زورق طلایی از ارونقی کرمانی، دوران شور و نشاط جوانی مان را به خود مشغول داشته بود.

در دوران دبیرستان کتاب‌های جواد فاضل و امیر عشیری را در ساعت‌های زنگ تفریح با دوستم خانم آرمین مطالعه می کردم. در آن دوران اولین کتابخانه برازجان به اسم بوعلی تاسیس شد. در اولین سال تأسیس کتابخانه مرا به عنوان کتابخوان سال برگزیدند زیرا که بیشترین کتاب را خوانده بودم. در آن زمان کتاب خوانی و بخصوص داستان سرایی بین جوانان برازجان بسیار رایج بود.

شب‌ها در حیاط بزرگ خانه پدری نیز به مطالعه می پرداختم. روزها نیز پیش خانواده و دوستان و خویشاوندان به بحث و گفتگو راجع به رویدادهای کتاب‌های خوانده شده می پرداختیم. بعدها ضمن آشنایی به زبان خارجه علاقه‌مند به ترجمه مطالب انگلیسی نیز شدم. بیاد دارم اولین کتاب انگلیسی که خواندم زندگی نامه همسر تئودور روزولت رییس جمهور سابق ایالات متحده بود. در دانشگاه و در محل کار نیز به نوشتن و ترجمه متون انگلیسی به فارسی و تحقیقات جامع اجتماعی و علمی جهت کار در منطقه و کشور می‌پرداختم.

در هنگام تحصیل در دانشگاه شیراز با منیرو روانی‌پور آشنا شدم. ایشان دوست و هم اتاقی من بود و کتب دانشگاهی و سطح بالای خارجی را مطالعه می‌کردیم. در آن دوران نیز روزها در کنار درس‌های سخت دانشگاه شیراز، در مورد آثار نویسندگان و شاعران کلاسیک و جدید بحث میکردیم. کتاب صد سال تنهایی اثر گارسیا مارکز از کتاب‌هایی بود که مدت‌های طولانی اوقات مطالعه من و دوستم را مشغول داشته بود. بعدازظهرهای اردیبهشت ماه با همدیگر در خیابان باغ تخت شیراز در مورد رویدادهای کتاب صد سال تنهایی مجادله میکردیم. به نظر خانم روانی‌پور کتاب مذکوردر مورد سرگذشت کره زمین و حوادث اتفاق افتاده برای مردمان سرزمین‌های آن بوده است. مطالعه این کتاب سال‌ها میان دانشجویان رواج داشت.

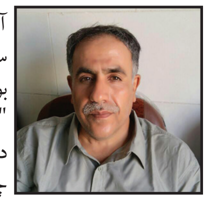
همین طور اشعار سروده شده توسط خاقانی شروانی شاعر بزرگ ایرانی قرن ششم که ماههای زیادی مورد بحث من و دوستم بود. اشعار مذکور در حدود ۱۰۰ بیت شعر قصیده بسیار نغز و زیبا بودند و مربوط به تکه‌ای از خاک محل دفن پیامبر اسلام بود که خاقانی از مدینه با خود آورده بود. این اشعار در دانشکده ادبیات تدریس می‌شدند. آن قدر آن اشعار برای من پرمعنا و زیبا بودند که بارها آن را می خواندم وسپس با هیجان تعابیر و مفاهیم آن را برای دوستانم بیان می کردم. از دیگر کتاب‌های مورد توجه من کتاب زیر سایه پدر نوشته مهر ماه فرمان فرمابود.

کتاب ادبی دیگری که در دوران جوانی مطالعه کردم کتاب کلیدر اثر محمود دولت‌آبادی بود و در مورد فردی بنام گل محمد بود که علیه خوانین ستمگر دوران به یاغی گری برخاسته و سرانجام به دست طرفدارانش از بین رفت. این کتاب مورد توجه و ستایش همه افراد اهل مطالعه قرار داشت.

کتاب دزیره نیز از آن ماری سلینکو که درباره زندگی دزیره نامزد ناپلئون بناپارت و جنگ‌های بین الملل اول نوشته شده است از کتاب‌های مورد علاقه من بود. کتاب دزیره به دلیل اتفاقات تاریخی که با زندگی روزمره همراه شده شور هیجان بی‌مانندی به خواننده می دهد تا آنجا که بسیاری از دوستان و همکارانم به مطالعه آن ترغیب شده و آن را مطالعه کرده اند.

# منوچهر آتشی، انسانی در اندیشه معیشت، یا شاعری در پرتو اشراق ؟

**محمد محمدزاده**



آیا آن طور که جناب سید قاسم یاحسینی مورخ بوشهری در مطلبی بنام "بهار آتشی برای بوشهر" در هفته نامه نسیم جنوب، چاپ کردند، گاه‌گاهی جناب آتشی بزرگ، دچار دغدغه نان و فقر و بی‌خانمانی می‌شدند؟...و یا نه..... جناب آتشی شاعر در فضای روحانی شعر، به یک نوع بی‌نیازی و غنای طبعی دست یافت که از همه سرمایه‌ها و چشم روشنی‌های دنیا بی نیازش کرد.

این قلم قصد دارد که به این اهمیت بپردازد که آیا فقر به صورت کدام پدیده، جبر و یا اختیار، وارد زندگی شاعر شد و تلقی خود شاعر از فقر چه بود؟...و در نگاه دیگر آیا اهمیت سرمایه کیمیای کشف شعر و تحول درونی شاعر، به ما این اجازه می‌دهد که با عبور از این گوهر تابناک به مسائل پیش پا افتاده و جانبی زندگی او بپردازیم.؟..... و آیا جریاناتی که تحت عنوان گرفتاری و مشکل از آنها یاد می‌شود، در یک نگاه باطنی، نمی‌توانند هر کدام خشت یاقوتی باشند در ایجاد آن تحول و آن کاخ مرمرین؟

من فکر می کنم که زندگی آتشی شاعر، باید در دو نگاه مورد عنایت و توجه قرار بگیرد. نگاه اول یعنی عبور از دبیرستان سعادت بوشهر تا معراج دانشگاه پر غرور و شوکت شیراز، و از آن جا جذب آموزش و پرورش و چند سالی آموزگاری و باز در یک پرواز به سوی تهران و غور در مجله سروش و همکاری با رادیو و درنهایت طلوع انقلاب اسلامی و بازنشستگی او.

و نگاه دوم حضور او در پالایشگاه جم و فوران احساسات و شاعرانگی او.

در دوره نخست زندگی‌اش بود که به کتاب آهنگ دیگر رسید و با فروغ فرخزاد دوست شد ... و باز در همین سال‌ها بود که ازدواج کرد و طعم زندگی زناشویی چشید و باز در همین دوران بود که که آسمانی شد و کتاب آواز خاک برای زمینیان به ارمغان آورد و به چنان شهرتی دست یافت که حتی بقول مصاحبه با جناب یاحسینی "دربار شاه طمع در دوستی اش کردند و نوشتن متن و تنظیم سخنرانی بر سر قبررضا شاه را به عهده او گذاشتند" و باز در همان مصاحبه "در جشن‌های هنر شیراز، او را به عنوان یک شاعر طراز اول انتخاب کرده بودند..."

اما او این جلوه گاه عشوه و افسوس را/ بی اعتنا/ به آه اضطراب غریزه رها کرد " و پا زد به همه زرق و برق ها ..." و از چراغ قرمز عبور کرد و شهر بزرگ با هیبت و هیاهوش از خوف آن ناشناس مبهوت ماند" آواز خاک، گلگون سوار.

و راه زندگی‌اش در مسیر احساس و فطرت خود قرار داد و خلوت و فقر و تنگدستی را آگاهانه پذیرفت و کیمیای سعادت را در نجوای درون و شنیدن آواز روح دانست و در اولین سروده اش پیام داد:

"من آمدم تا بگذرم چون قصه‌ا ی تلخ
در خاطر هیچ آدمی زادی نمانم
اینجا نیم تا جای کس را تنگ سازم
یا چون خداوندان بی همتای گفتار
بی مایگان را از ره تاریخ رانم".
(از اولین کتاب شاعر، آهنگی دیگر).

جناب آتشی بزرگ مثل همه آدم‌ها زندگی را دوست می داشت و عاشق خانواده‌اش بود و درآن سالها دارای موقعیتی بود که می توانست یک زندگی بسیار اشرافی داشته باشد و همچون خیلی از هم دوره‌ها با زن و بچه‌اش در ماشین‌های لوکس سوار شود و در خیابان‌های لاله‌زار تهران و جاده های چالوس و شمال بچرخد و در گراند هتل‌ها اطراق کند و در ساحل رامسر و انزلی حمام آفتاب بگیرد... ولی او دست در دست "عبدوی جت" نهاد همان آزاد مردی که با خوانین مستبد در افتاده بوده و در نهایت جان شیرین خود را در راه مبارزه با آن دژخیمان از دست داد و الهام بخش شعر فرازمینی ظهور آتشی شاعر شد... و فاصله گرفت از کرسی‌های زرین محفل‌های دربار و گوش واره‌های الماس و برلیان زنانی که چشم را خیره می کردند.

او برای این نوع زندگی ساخته نشده بود و یک حس درونی، فکر و نگاه او را متفاوت از نگاه‌های معمولی و روز مره می کرد، فکری و نگاهی چراغ بدست، که احساس او را از میان دالان‌های تاریک درد و رنج عبور می‌دادند... نگاه‌هایی هیجانی و بسیار متفاوت، که ظاهرا از او بودند، اما در اراده او نبودند، هر چند وقت، تحت تاثیر ماجرایی عاطفی دچار تحول می‌شد و هویتی دیگر پیدا می کرد، کسی، چیزی، جریانی می‌آمد و میان او و آگاهی‌اش می‌ایستاد و اراده‌اش را در دست می‌گرفت، مسحور و تسخیرش می‌کرد و همه وجودش را متحول می‌ساخت، ماجرایی غریب که در عین تکرار، اما همیشه برای او تازه بود: غلیانی که از دلش بالا می‌آمد، و خداگونه به همه ابعاد زندگی او حرکت و جان می‌داد به شاخه‌ها به شب‌ها به سنگ‌ها به واژه‌ها رنگی دیگر می‌داد و چشم و گوش و همه اعضای او رفتاری دیگر پیدا می کردند و انگار از کسی دیگر فرمان می‌گرفتند و وادارش می کردند که با هستی و طبیعت بیامیزد و بجوشد و به صداها و به منویات اشیائ گوش بسپارد و حرکت و زندگی حتی در واژه‌ها، رنگ‌ها، غبارها و اشیایی که بخار می‌شدند ببیند... و پیوند می‌خورد به تجربه مولانا "ما سمیعیم و بصیریم و هشیم / با شما نامحرمان ما خامشیم" و زیر پرتو چنین تجربه‌ای همه فکرها و نگاه های معمولی از او گرفته می‌شدند و پایانش می‌دادند از فکر کردن به چیزهای سنگینی چون ماشین و یخچال و کارخانه و فکر نان، او بخوبی دریافته بود که دنیای او هرچه فقیرتر، غنی‌تر و هرچه دورتر نزدیکتر و به باز به قول و یاد مولانا می‌افتاد " آب کم جو تشنگی آور به دست/ تا بجوشد آب از بالا و پست" دیگر کمتر به مائده‌های زمینی رغبت نشان می‌داد و ترجیح می‌داد که با پیام آوران درد بیامیزد و گفتمانش از دلتای احساسش برخیزد... و نزاعی که تحت عنوان زندگی، همنوعانش را درگیر کرده بود رنجش می داد و به بخوبی با خروجی این نوع زندگی آشنا بود و به روشنی می دید که چه دیوارهای خاکستری عظیمی از دل این رفاه و راحت طلبی افراشته می‌شوند و می‌ایستند در مقابل آرمان‌های بلند انسانی و چه ظلمت‌هایی ایجاد می کنند در مقابل شب تاب‌هایی که جان آدمی را مشتعل می کنند.

از این رو با پشت سر گذاشتن آن جلوه‌های رنگین کمانی، چشم جان خود را مهیای دیدن تجربه‌های تازه از زندگی می کرد... چشمان نافذ آتشی شاعر تصویرهای دیگری از زندگی طلب می کردند و به جلوه‌های آنی و زود گذر زندگی تن در نمی‌دادند و به دنبال خواص دردها و رنج‌ها بودند و از طعم تنهایی و خلوت خوششان می آمد و لذت می‌بردند.

او آگاهانه از فقر و تنگدستی به عنوان خوراک بارور شدن استعدادها و قابلیت‌های درونی استفاده می کرد و برغم مشکلات ظاهری که نتیجه فقر و بینوایی بود .... پذیرفته بود که کنار آینه فقر، رنج‌ها و دردهای همنوعان را بهتر تماشا می کند....

همه آنانی که به تماشای باغ آلبالوی وجود رفته‌اند چیزهای زیادی فدا کرده‌اند و این یک قائده است و پشتوانه وعده خدایی و الاهی دارد"به جایگاه بزرگ نمیرسید مگر اینکه از چیزهایی که بسیار دوست دارید عبور کنید. (قرآن)

آتشی شاعر در مصاحبه با سید قاسم یاحسینی می‌گوید «زمانی که در یکی از روستاهای‌های ساحلی معلم بودم ماهیانه مبلغی بیش از حقوق معلمی‌ام برایم می‌آوردند و می گفتند که این حق سکوت شماست که گزارش قاچاق ما را ندهید و من به آنان می‌گفتم که نه پولتان می‌خواهم و نه اهل این جریانات هستم».




**آتشی مثل همه آدم‌ها زندگی را دوست می داشت و در آن سالها دارای موقعیتی بود که می توانست یک زندگی بسیار اشرافی داشته باشد ولی او دست در دست "عبدوی جت" نهاد همان آزاد مردی که با خوانین مستبد در افتاده بوده و فاصله گرفت از کرسی‌های زرین محفل‌های دربار**

همه آنانی که تجربه شاعرانگی را درک کرده‌اند می‌دانند که: به قول سعدی بزرگ "اگر لذت ترک لذت بدانی /دگر لذت نفس لذت ندانی" و زندگی آتشی بزرگ مصداق چنین تجربه‌ای بود.

اما قسمت دوم زندگی جناب آتشی، سال‌هایی بود که به پالایشگاه جم آمد او از این سال‌ها به عنوان سال‌های پر کار خودش یاد می‌کند و احساس بسیار خوبی نسبت به جم دارد و با اینکه در سال‌های بعد از انقلاب با بی‌مهری‌هایی در پایتخت مواجه شده بود و مرگ تنی چند از عزیزانش، تجربه کرده بود و ساختار خانواده‌اش نیز از هم گسسته شده بود چنان حال و هوایی در موقعیت جم پیدا کرده بود که انگار از غرفه‌های بهشت برگشته بود.

پیوسته در موقعیت شعر بود و فضای مه آلود احساس و الهامات، او را از هر اندیشه ای، جز رهایی و پرواز، بی نیاز کرده بودند.

فکر می کنم بعد از تجربه آواز خاک ، موفق ترین کارهای جناب آتشی در موقعیت "جم" صورت گرفت. او در آن زمان به سن پختگی و کمال رسیده بود و در سایه اندیشه ها و تجربه ها، به بهره برداری از قابلیتی که خدا در نهادش کاشته بود بسیار موفق بود.

او در این موقعیت، یعنی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ پنج کتاب شعر سپید بنام های وصف گل سوری/گندم و گیلاس/چه تلخ است این سیب/زیباتر از شکل قدیم جهان/ و حادثه در بامداد با الهام گرفته از فضای به قول خودش افسونی جم به چاپ رسانیده است. این در حالی است که از صدها غزلی که جناب آتشی در جم سروده است در این برآورد منظور نگردیده است.

**کتاب وصف گل سوری**: در این کتاب تعداد ۸ شعر در جم سروده شده است که از این ۸ شعر یک شعر بنام" راهی به رازها "از یک شهروند جمی بنام "حاتم " و احوالاتش و احساساتش یاد شده است.

**کتاب گندم و گیلاس**: در این کتاب از مجموع ۷۰ قطعه شعر تعداد ۶۲ شعر در جم سروده شده است. در این شعرها "آوازهای معمولی برای دردهای معمولی" به مردم جم و ریز هدیه شده است. "چکامه بازگشت سوگمندانه" در وصف بهار شهرخاص سروده شده است و "چکامه مشعل ها" به فضای کاری فنی و کارگری پالایشگاه اختصاص دارد.

**کتاب چه تلخ است این سیب**: در این کتاب از مجموع ۱۱۲ شعر ۳۵ قطعه شعر در جم سروده شده است. در این شعرها، شعر "چه تلخ است این سیب "از وضعیت پالایشگاه الهام گرفته است و از همین کتاب، شعر "دیگر نه بامداد و نه زنگوله" باز هم متاثر از محیط کار در پالایشگاه است.

**کتاب زیباتر از شکل قدیم جهان:** در این کتاب از مجموع ۴۳ شعر تعداد ۲۸ شعر در جم سروده شده است. شعر "زیباتر از شکل قدیم جهان" الهام گرفته از طبیعت بهاری جم می باشد.

**کتاب حادثه در بامداد**: در این کتاب تعداد ۲۰ شعر در جم سروده شده است.

مجموع شعرهای سپیدی که آتشی در جم سروده و به گزینش خودش در کتاب های مذکور چاپ گردیده ۱۵۳ قطعه می باشد.

این موفقیت ها حاصل تورم، فقر و تنگدستی و روحیه پریشان و مشوش شاعر نبودند.

شاعر زمانی می تواند به دنیای شعر برسد که همه رویدادهای زندگی اش را پذیرفته باشد و همه چیز را سنجیده و زیبا ببیند. ذهن شاعر باید بی هیچ دغدغه ای به آرامش مطلق برسد و شاعر باید تسلیم الهاماتی باشد که در او به صدا در می آیند و جهان را رویایی و وهم آلود می بیند.

و محیط جم به خوبی این موقعیت را برای او ایجاد کرده بود و شب ها که استراحتی می کرد و در فضای باز، سیگاری می کشید گاهی با شلال رقص دود سیگارش به آسمان جم می رفت و ستاره ها و شهاب ها، روح آتشی شاعر را به ساحل های فرا زمینی و جهان فرشته ها می بردند و از آن جا دستش را می گرفتند و به دریچه های رمزآلود آبها و خواب ها و گذرگاه های مرجانی عبورش میدادند و آرایش زمان و گذر رنگ ها، از پوست و گوش و چشم او می ربودند و باری دیگر در میدانهای کودکی، نوجوانی، جوانی و میانسالی رهایش می کردند و نگاهش را می دوختند به کوچه های غبارآلود شعرها، و باز دخترکان موبوری می دید که زیر آفتاب داغ سمل پرواز می کنند.

و در میدان جنگ و باروت، عبدوی جت را میدید که خون از تنگ چین شال باور نمی کند... و شیهه اسب سفید وحشی می شنید که با نعل نقره گون/ بس قصه ها نوشته به طومار جاده ها/ بس دختران ربوده زدرگاه غرفه ها... و درخت کنار سبزی می دید که زیر سایه اش هنوز آن دخترکی که سال ها پیش عاشقش بود ایستاده است و به او لبخند می زند... و آتشی شاعر در آن جبروت خواب و بیداری صدایش می زند که آه عزیز من... تو پس از آن همه سال هنوز اینجا ایستاده ای؟ و گریه کنان دستش را به سوی او دراز می کند و شکایت می کند که چرا در کوچه های جوانی و پیری و میانسالی به دنبال من نیامدی؟... و به آسمان نگاه می کند و ماه پریده رنگ را می بیند که چگونه از خواب ها و خاطره هایش عبور کرده است. آتشی شاعر پس از سال ها مراقبت و خویشتن داری، در فضای روحانی شعر به چنان تجربه هایی رسید که جز در بستر قلب یک شاعر نمی گنجد و به یک موقعیت بی نیازی و غنای طبعی دست یافت که از همه مکنت ها و سرمایه ها و چشم روشنی های دنیا بی نیازش کرد.

## «خشونت پذیرفته شده» در خانواده

**دکتر عبدالصالح خزائی – مشاور خانواده**



خشونت علیه زنان و دختران به انواع آزارهای جسمی، عاطفی، جنسی، اقتصادی... از طرف همسر و اطرافیان اطلاق می‌گردد. این نوع پرخاشگری منحصر به طبقه و نژادی خاص نیست و در همه طبقات اجتماعی، نژادی، جغرافیایی و رده سنی شاهد آن هستیم و احتمال دارد در تمامی مراحل زندگی یک فرد مونث از دوران کودکی تا بزرگسالی توسط همسر و اعضای خانواده مانند پدر و برادر و حتی فرزندان پسر صورت گیرد.

در نتیجه این آسیب اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز روحیه بی‌ارزشی و خود ویرانگری، افسردگی و اضطراب در زنان شود. امروزه در مراکز مشاوره و کلینیک‌های زوج درمانی، مشاوران و درمانگران شنونده شکوه زنانی هستند که از دست همسرانشان به ستوه آمده‌اند و هر کدام به نوعی یکی یا چند از مصادیق پرخاشگری و خشونت را تجربه کرده‌اند. با بررسی و سبب‌شناسی مشکلات آنها موارد زیر در مورد آنها به وضوح دیده می‌شود:

–عدم رسش فردی، بلوغ شناختی، اجتماعی آنها در سن ازدواج و تن دادن به عنوان« کودک همسری».

–عدم آشنایی و مد نظر قرار دادن ملاک‌های همسر گزینی در فرایند پیش از ازدواج.

–ازدواج تحمیلی، عجولانه، کورکورانه و انتقامی.

–روابط نامتعارف و جنسی قبل از ازدواج.

–ضعف در مهارت‌های زندگی مانند جرأت‌مندی، ابراز وجود، حل مسأله و مدیریت هیجانات.

استراتژی بیشتر این بانوان در مواجهه با ابعاد گسترده خشونت سکوت، عدم جرأت‌مندی و غفلت در مورد دفاع از حقوق خود می‌باشد. متاسفانه آنها با اظهاراتی مانند «به خاطر فرزندانم شرایط را پذیرفتم و از حق خودم کوتاه آمدم» و یا «نمی‌خواهم کسی در بستگان و خانواده اصلی متوجه مشاجره و درگیری من و همسرم شود و پنهان کاری کردم» و یا «خودم انتخاب کردم و پای خواسته خودم هستم و رنج آن را تحمل می‌کنم» راهی جز تسلیم شرایط انتخاب نمی‌کنند و در واقع این جملات حاکی از عزت نفس و جرأت‌مندی پایین آنها می‌باشد. چه بسا تعدادی از این زنان به اشتباه در بین همسایگان و بستگان، افرادی صبور، تودار و تاب‌آور به شمار می‌روند که بر شتاب این چرخه معیوب می‌افزاید. اما متاسفانه به تدریج در زندگی مشترک با همسر روابط سرد و خشک حکمفرما و وارد پرتگاه طلاق عاطفی می‌شوند که به دنبال آن با بالا رفتن سن و کاهش توانایی جسمانی، اختلالات خلقی مانند افسردگی و بیماری‌های جسمی مانند گوارشی و روده ای قابل پیش بینی است. در اینجا لازم می دانم به چند راهکار به منظور پیشگیری و کاهش خشونت علیه زنان و دختران اشاره کنم: – تلاش جهت آگاهی بخشی عموم جامعه در مورد خشونت و مصادیق آن و همچنین آسیبهای آن در کانون خانواده با انجام فعالیتهای آموزشی و فرهنگی. –فراگیری مهارتهای زندگی مانند حل مسأله، جرأت‌مندی، ابراز وجود، خودآگاهی و همدلی. –آموزش مهارتهای صمیمیت زوجی و الزام نمودن مشاوره پیش از ازدواج به صورت کامل توسط سازمانها و ارگانهای متولی. – توانمندی در کنترل و مدیریت هیجان در خانواده؛ چراکه ناتوانی در مدیریت هیجانات منفی مانند خشم منجر به عصبی شدن و رفتار خشن و در نهایت مشکلات خانوادگی می‌شود. –آشنایی زنان و دختران از حقوق شان در خانواده و تلاش جهت احقاق آن. –بهره‌گیری از مشاوره خانواده در صورت هر گونه بد رفتاری جسمی و عاطفی از طرف همسر به منظور خانواده درمانی و مداخلات درمانی.

---

**مصاحبه نسیم جنوب با دکتر مولود کیخسروانی روانشناس و مشاوره خانواده:**

# هیچ‌کس نباید زیر سایه ترس از کسی که دوستش دارد، زندگی کند

**یکی از مهم ترین مشکل مبارزه با خشونت علیه زنان، پنهان کردن این مسئله از سوی زنان است**

**به مناسبت روز جهانی جلوگیری از خشونت بر علیه زنان**



**– برای اطلاع خوانندگان نسیم جنوب، بفرمایید تعریف خشونت خانگی چیست؟**

– خشونت رفتاری عمدی است که هدف آن صدمه زدن به خود یا دیگران است. خشونت خانگی، اصطلاحی است که برای بیان سوء استفاده جسمی، جنسی و عاطفی از طرف یک عضو، علیه عضو یا اعضای دیگرخانواده استفاده می شود. خشونت خانگی می‌تواند در اشکال متنوعی نظیر خشونت علیه همسران، خشونت علیه والدین، خشونت علیه فرزندان و خشونت علیه سالمندان ظاهر شود.

**– لطفا درباره خشونت علیه زنان و دختران بگویید. در کل خشونت علیه زنان چیست؟**

–خشونت خانگی ممکن است برای هر کسی اتفاق بیفتد. این سوءاستفاده محدود به قشر، سن و سال، جنسیت یا طبقه اقتصادی خاصی نمی‌شود. اما اغلب قربانیان خشونت خانوادگی زنان و دختران هستند. اگر چه برای بسیاری از افراد، خانه امن ترین فضا محسوب میشود، ولی همین محیط برای برخی از زنان یادآور درد و تحقیر است. خشونت علیه زنان و دختران به عنوان هر نوع خشونت مبتنی بر جنسیت تعریف می شود که منجر به آسیب فیزیکی، جنسی یا روحی زنان و دختران شود.

**– این خشونت ها علیه زنان چه انواعی دارند؟**

– خشونت علیه زنان می تواند به شکل جسمی، جنسی، اقتصادی، کلامی و روانی باشد. منظور از خشونت جسمی، آسیب رساندن به طرف مقابل از طریق رفتارهایی مثل سیلی زدن، هل دادن، کتک زدن و ... است. خشونت جنسی شامل هر رابطه جنسی ای است که یکی از طرفین برای برقراری ارتباط تمایل نداشته باشند به عنوان مثال برقراری ارتباط در زمان نامناسب یا به اشکال ناخواسته، برقراری رابطه جنسی با تهدید و فشار. خشونت اقتصادی شامل هر نوع تحت فشار قرار دادن زنان جهت رفع مایحتاج اولیه مانند غذا، پوشاک، سرپناه و ... می گردد.

اما شایع ترین و در عین حال پنهان ترین نوع خشونت علیه زنان، خشونت کلامی و روانی است و از آن جا که اغلب بصورت پنهان اتفاق می افتد گاهی فرد مورد خشونت، حتی نمی داند که در معرض خشونت قرار گرفته است. خشونت روانی شامل تهدید، آزار عاطفی، تهدید مادران به وسیله فرزندانشان از طریق جداسازی آن ها از یکدیگر می باشد. اما در نگاهی فراتر، رفتارهایی در طیف وسیعتر مانند کنترل رفتار، تعیین باید و نبایدها و محدودیت هایی برای آن چه زن می تواند یا نمی تواند انجام دهد، محروم کردن او از اطلاعات، محدودیت دسترسی به تلفن و ... را نیز شامل میشود.

**– علاوه بر خشونت خانگی، شاهد خشونت های اجتماعی علیه زنان نیز هستیم. مهمترین خشونت های اجتماعی بر علیه زنان و دختران چیست؟**

– مسئله مهم این است که زنان نه تنها در خانه و فضای خصوصی تر ممکن است مورد آزار قرار گیرند، بله گاهی به واسطه جنسیت شان در فضای اجتماعی نیز مورد خشونت قرار می گیرند. از جمله این خشونت های اجتماعی می توان به موراد زیر اشاره کرد:

قاچاق انسان: شامل بهره کشی و در بسیاری از موارد سوء استفاده جنسی از زنان.

کودک همسری: هر گونه ازدواجی که یک یا هر دو همسر زیر ۱۸ سال داشته باشند. از آن جا که احتمال کودک همسری در بین دختران بیشتر است، میتوان کودک همسری را یکی از مصادیق خشونت اجتماعی علیه زنان دانست که در نتیجه آن ترک تحصیل کرده و سایر خشونت های دیگر را تجربه می کنند.

خشونت های آنلاین یا دیجیتال: هر نوع خشونتی با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (تلفن های همراه، اینترنت، رسانه های اجتماعی، بازی های رایانه ای، پیام های متنی یا پیامک، ایمیل و غیره) که علیه زنان به دلیل زن بودن آنها انجام گیرد و شامل اذیت و آزار مجازی (ارسال پیام های مرعوب کننده یا تهدیدآمیز)، پیامک جنسی بدون رضایت (ارسال پیام ها یا تصاویر برهنه یا جنسی بدون رضایت گیرنده) و نشرعمومی اطلاعات شخصی (نشر عمومی اطلاعات خصوصی یا شناسایی اطلاعات مربوط به قربانی) می باشد.

**– خشونت علیه زنان و دختران به چه آسیب های روحی و روانی منجر می‌شود؟**

– آزار و اذیت خانگی اغلب از تهدید و توهین زبانی آغاز شده و به خشونت کشیده می‌شود. آسیب‌های جسمی بارزترین خطر آشکار آزار و اذیت خانگی هستند، اما عواقب عاطفی و روانی آن‌ها هم شدید هستند. روابط عاطفی برمبنای سوءاستفاده، ممکن است عزت نفس را از بین ببرند، منجر به اضطراب و افسردگی شوند و کاری کند که فرد احساس تنهایی و درماندگی کند. هیچ‌کس نباید چنین عذابی را تحمل کند و نخستین قدم برای رهایی از آن، اذعان به وجود این سوءاستفاده در رابطه است.

رابطه مبتنی بر آزار و اذیت نشانه‌های زیادی دارد، که ترس از شریک زندگی، بارزترین آن است. اگر احساس می‌کنید مدام باید مراقب باشید که چه می‌گویید و چه می‌کنید تا به دعوا منجر نشود، احتمالا رابطه شما مسموم، ناسالم و سوءاستفاده‌گرایانه است. همسری که شما را کوچک می‌کند، سعی می‌کند کنترل‌تان کند و باعث احساس تنفر از خود، درماندگی و افسردگی شما می‌شود، از دیگر نشانه‌های چنین روابطی هستند.

**–چرا فرد این کار را انجام می‌دهد و چه عواملی باعث بروز آن می شود؟**

– عواملی مانند اختلالات شخصیت، اعتیاد، مشکلات خانوادگی، وضعیت نامطلوب اقتصادی و اجتماعی، سطح پایین تحصیلات، مهارت های اجتماعی و عدم وجود حمایت اجتماعی و عاطفی از سوی اطرافیان برای فرد مورد آزار و همچنین ضعف و عدم وجود قوانین حمایت کننده می تواند منجر به بروز خشونت های خانوادگی به خصوص علیه زنان و دختران شود.

**– آیا مخفی نگه داشتن این خشونت توسط زنان، میتواند به کاهش آن در زندگی زناشویی کمک کند؟**

– نکته قابل توجه همین است که با وجود افزایش آگاهی عمومی افراد جامعه، زنان همچنان سکوت می کنند.گاهی خشونت خانگی علیه زنان از سوی خود آنها پنهان می شود و زنان به خاطر فرزندانشان و یا ترس از آبرو از این خشونت چشم می پوشند. خشونت برای بعضی از زنان به یک اصل جدایی ناپذیر در زندگی مشترک تبدیل شده و همین سکوت، باعث تقویت این رفتار نامناسب می شود.

از دید کسانی که در زمینه مبارزه با خشونت خانگی علیه زنان فعالیت می کنند، یکی از مهم ترین مشکل، پنهان کردن این مسئله از سوی زنان است. بسیاری از زنان که مورد خشونت همسرشان قرار می گیرند از او شکایت نمی کنند، زیرا به قول خودشان نمی خواهند اوضاع را از آن چه که هست، بدتر کنند و فقط برای متوقف کردن شوهرشان به دنبال یک راه حل ساده می گردند .

**– بهترین راه حل برای جلوگیری از بروز این خشونت ها چیست؟**

– بهترین راه حل ممکن برای توقف رفتارهای خشونت آمیز مردانی که از نظر فیزیکی همسرشان را مورد آزار قرار می دهند و حاضر نیستند برای مشاوره و گرفتن کمک مراجعه کنند، یک قوه قهریه است، اما خود زنان در این مورد بزرگ ترین مانع هستند، زیرا آنها شکایت از مرد را مساوی با طلاق می دانند. متاسفانه در کشور ما تصور عمومی بر این است، زنی که از شوهرش شکایت می کند، خواهان طلاق است، تا جایی که زنان تنها زمانی شکایت می کنند که می خواهند روی رأی دادگاه تأثیر بگذارند، اما باز هم مجبورند تمام حقوقشان را ببخشند تا بتوانند طلاق بگیرند.

**– راههای قانونی حمایت از زنان در خشونت خانگی چیست؟**

– قانون همه جا از حقوق افراد دفاع می کند اما در فضای خصوصی منزل داستان متفاوت است. بیشترین زنان حاضر نیستند پس از اعمال خشونت بر روی خود پیگیری قانونی انجام دهند و اگر هم از همسرشان شکایت کنند راه به جایی ندارد.

اگر زنان بتوانند از راه قضائی در برابر خشونت خانگی مقاومت کنند باز هم تحقیر، توهین، رابطه جنسی بدون رضایت و... جایی درقانون ما ندارد و فقط زنی می تواند اثبات کند که مورد خشونت قرار گرفته است که مورد آزار جسمی قرار گرفته باشد و کتک خورده باشد در غیر این صورت اثبات خشونت های دیگر قابل پیگیری نیست.

اگر همسر زن به او توهین کند و او را تحقیر نماید اثبات مسئله سخت است زیرا نمی توان اثبات کرد که مردی همسرش را این گونه شکنجه می کند.

در هر صورت باید توجه داشت که اولین قدم برای گرفتن حمایت قانونی، مراجعه و شکایت به مراجع قانونی است. بنابراین آموزش افزایش ابراز وجود به زنان آزار دیده، یکی از مهمترین مسایل آگاهی بخش است.

**– سخن پایانی؟**

– در پایان باید توجه داشت که هر فرد شایسته احساس ارزشمندی، احترام و امنیت است. نکته بسیار مهم این است که زنان خود را مستحق این احترام بدانند. هیچ‌کس نباید زیر سایه ترس از کسی که دوستش دارد، زندگی کند. بنابراین افزایش توانمندی های زنان از نظر استقلال مالی، ارتقا و بهبود ویژگی های مثبت شخصیتی، کسب حمایت های عاطفی و بهبود قوانین حمایتی می تواند در کاهش این گونه رفتارها در جامعه، کمک کننده باشد.

# خشونت علیه زنان؛ از خانه تا محل کار



**دکتر فاطمه بوالی – روانشناس**

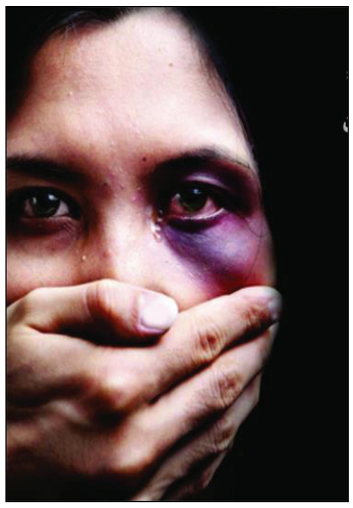
خشونت علیه زنان و دختران، پدیده‌ای است که در آن زن به خاطر جنسیت خود، مورد اعمال زور و تضییع حق از سوی جنس مخالف قرار می گیرد. چنان چه خشونت در چهارچوب خانواده و بین زن و شوهر باشد، از آن به خشونت خانگی تعبیر می شود و به هر نوع عمل و یا احتمال رفتاری که به آسیب جسمی، جنسی، روانی یا محرومیت و عذاب منجر شود، خشونت علیه زنان گفته می شود.

با توجه به اهمیت خشونت علیه زنان، در سطح جهانی نیز، فعالیتها و دستاوردهای پژوهشی زیادی علیه خشونت زنان طی پنجاه سال اخیر صورت گرفته است. به گونه‌ای که موضوع کنفرانس‌های سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ اختلاف خانوادگی و در سال ۱۹۸۰ زنان کتک خورده و خشونت در خانواده بود. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیهٔ رفع خشونت را در سال ۱۹۹۳ تصویب کرد.

برآوردهای جهانی حاکی است که از هر سه زن یک نفر درجاتی از سوء رفتار جسمی یا جنسی را از شریک زندگی‌اش دریافت کرده است. خشونت خانگی در خانواده‌های متعلق به هر نژاد و زمینهٔ مذهبی و در تمام طبقات اقتصادی–اجتماعی بروز می کند. هر فردی که در یک رابطهٔ صمیمانه است می تواند در معرض این خطر باشد.

حدود ۵۰ درصد زنان کتک خورده در خانواده های خشنی بزرگ شدند و شایعترین صفت آنها وابستگی است. مردان بدرفتار نیز ممکن است در خانواده های خشنی بزرگ شده باشند که در آنها شاهد کتک خوردن زن بوده‌اند و یا خود در دوران کودکی مورد سوء رفتار قرار گرفته‌اند.

زنان در زندگی خود چهار شکل خشونت شامل فیزیکی، روانی، اقتصادی و جنسی را تجربه می‌کنند. خشونت فیزیکی به شیوه‌های آزار و اذیت جسمانی، ضرب و جرح، کشیدن مو، سوزاندن، گرفتن و بستن، زندانی کردن، اخراج از خانه، کتک کاری، محروم کردن از غذا، سیلی، لگد و مشت زدن، کشیدن و هل دادن، محکم کوبیدن درب و شکستن اشیای منزل را شامل میشود که این نوع خشونت ممکن است برای همه زنان بدون توجه به نوع تحصیلات، نژاد و وضعیت خانوادگی روی دهد. خشونتهای روانی و کلامی مانند دشنام و به کار بردن کلمات رکیک، بهانه گیری‌های پی درپی، داد و فریاد و بداخلاقی، بی احترامی، رفتار آمرانه و تحکم آمیز و دستور دادنهای پی درپی، تهدید به آزار یا کشتن وی، تحقیر زن، قهر و صحبت نکردن و ممنوعیت ملاقات با دوستان اشاره



کرد. این نوع خشونت موجب بروز روحیه پوچی یا خودنابودسازی، گریز از مشارکت اجتماعی و اضطراب در زنان می شود.

خشونت اقتصادی مانند ندادن خرجی، سوءاستفاده مالی از زن و صدمه زدن به وسایل مورد علاقه او، به طوری که در برخی موارد زنان حتی حق دخل و تصرف در اموال خود را نیز ندارند.

خشونت جنسی شامل اجبار شریک زندگی به مشارکت در یک عمل جنسی بدون رضایت است.

زنانی که از جانب همسرانشان مورد خشونت قرار می گیرند پنج برابر بیشتر از سایر زنان در معرض آسیب‌های روانی و خطر خودکشی و شش برابر بیشتر در معرض اختلالات روانی قرار دارند.

علاوه بر خشونت خانگی در زنان، خشونت مبتنی بر جنسیت در محل کار نیز موضوع بسیار پیچیده‌ای است که ریشه در روابط براساس قدرت جنسیتی در جامعه، اقتصاد، بازار کار، اشتغال و رابطه فرهنگ سازمانی دارد. در حال حاضر خشونت کلامی و روانی یکی از جدی‌ترین انواع رایج خشونت در محیط کار زنان است.

با وجود پیشرفت علم و گسترش آموزش‌های حقوق شهروندی در گوشه و کنار این جهان پهناور، هنوز هستند افرادی که نتوانسته‌اند باورهایشان را متناسب با اقتضائات زمان تغییر دهند و با برتر دانستن مردان از زنان برابری فرصت‌های شغلی زنان و مردان را غیر قابل قبول می‌دانند.

# نه به خشونت ناآگاهانه یک زن بر علیه خودش!



**مهدی امانی – روان درمانگر بالینی و مدرس دانشگاه**

شاید تصور عام بر این باشد که کمتر کسی مرتکب خشونت بر علیه خودش می‌شود. اما بهتر است جهت ارتباط کاملتر با مطلب به یک ذهنیت مشترک درباره واژه خشونت برسیم.

در روانشناسی «هرگونه رفتاری که باعث نارضایتی و آسیب زدن به فرد مقابل یا خودمان شود» خشونت محسوب می‌شود.

سابقاً با شنیدن واژه خشونت، رفتارهایی مثل ضرب و شتم، فحاشی و پرخاشگری در ذهن ما نقش می‌بست.

اما در حال حاضر مصادیق بیشتری از این واژه معرفی شده است که اغلب متمرکز بر جنبه‌های ذهنی و روانی می‌باشد، مانند خشونت‌های عاطفی، جنسی، تحصیلی، شغلی، اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و ...

برای مثال در زمینه خشونت‌های جنسی بر علیه زنان، چند رفتار را که بیشتر جنبه عاطفی و روانی دارند ذکر می‌نمایم: آزار کلامی، توهین و نسبت دادن الفاظ رکیک جنسی و تحقیر آمیز، اصرار به صحبت کردن و یا نزدیک شدن به حریم شخصی زنان بدون تمایل آنها، ارسال متن و عکس یا تصاویر مستهجن برای آنها و ...

همچنین در زمینه‌های دیگر مانند محدود کردن زنان از دستیابی به حقوق اجتماعی مانند ادامه تحصیل، شغل، حضور در کلاسهای ورزشی، هنری یا فنی و ... همچنین خشونت‌های عاطفی، زناشویی و فرهنگی مانند دور کردن زن از خانواده و دوستانش، کودک همسری، خیانت یا چند همسری، اجبار به فرزندآوری و یا ازدیاد فرزندان، انداختن تمام بار مسئولیت زندگی به دوش زنان و موارد متعدد دیگر از این قبیل.

اما برگردیم به عنوان تیتر مقاله: خشونت یک زن بر علیه خودش؟

به اعتقاد علم روانشناسی انسان‌ها برخی از رفتارهایشان را تحت تاثیر ضمیر ناخودآگاه‌شان انجام می‌دهند.

ناخودآگاه انسان متأثر از پیام‌های والدی که در دوران کودکی ثبت شده و یا پیام‌هایی که در بزرگسالی دریافت شده، می‌تواند برخی از رفتارهای ما را تعیین و یا مسیر دهی نماید.

اجازه بدهید جهت روشن شدن مطلب مثال زنانی را بیاورم که تحت تاثیر پیام والدی «کامل باش» و طرحواره «بی ارزشی» در حوزه نقص و شرم در کودکی و یا در بزرگسالی تحت تأثیر صنعت مُد و تبلیغات، جسم خود را بارها و بارها زیر تیغ جراحی‌های مختلف زیبایی و یا تزریق ژل و بوتاکس می‌برند تا شبیه به آن الگوی که صنعت مُد ارائه داده بشوند. و یا زنانی که خود را درگیری رژیم‌های غذایی سخت و غیر اصولی جهت کاهش و افزایش وزن می‌نمایند و یا انجام آرایش‌های آسیب‌زا و افراطی مانند کاشت پرسینگ ، ناخن یا مژه یا لنزهای زیبایی غیر استاندارد و ...

لازم است یادآور شوم که هیچکس با زیبایی، آرایش و آراستگی مخالف نیست اما تفاوت این جاست؛ زنی که خودش را ارزشمند و آراستگی را حق خود می‌داند، خشونتی را بر علیه خود مرتکب نشده، اما زنی که تمام احساس ارزشمندی خودش را از جراحی یا آرایش یا برند و مد دریافت می‌کند به این معنی که آرایش می کند و برند می‌پوشد تا ارزشمند شود ، مرتکب این خشونت است.

و حال نوع دیگر این خشونت که برخی دیگر از زنان بر علیه خودشان مرتکب می‌شوند، معمولاً در بستر خانواده شکل می‌گیرد؛ زنانی که با فداکاری و از خودگذشتگی‌های بیجا و افراطی در قبال همسر و فرزندان یا دوستان و اقوام به دنبال کامل بودن هستند و نه کافی بودن و خود را به طور کامل فراموش می‌کنند و نمی‌توانند فردیت و هویّت مجزایی خارج از نقش مادر یا همسر بودن برای خود قائل شوند و دیگران را مهرطلبانه بر خود اولویت می‌دهند.

تمامی این خشونت‌ها را یک زن بر علیه خودش انجام می‌دهد تا از دریافت تأیید و تحسین چه از جانب خودش و چه از جانب دیگران احساس ارزشمندی نماید.

احساسی که شاید جایی در کودکی توسط والدین یا جانشینان روانی آنها لگدمال شده و از بین رفته و یا در بزرگسالی با باورهای غلط مهرطلبانه جایگزینی برای عزت نفس شده است.

# خشونت سفید در خانه

**الهام میلکی – دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی**



مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹،روز ۲۵ نوامبر (چهارم آذر امسال) را به عنوان روز جهانی «محو خشونت، علیه زنان» نامگذاری کرد. خشونت خصوصاً در روابط خانوادگی که معروف به «خشونت خانگی» است بر علیه زنان و دختران اعمال می‌شود.

خشونت خانگی به معنای رفتار خشونت آمیز و سلطه‌گرایانه یک عضو خانواده علیه عضو دیگر یا اعضای دیگر خانواده است که باعث آسیب روانی، فیزیکی و جسمی می‌شود حتی اگر این خشونت به صورت تهدید و یا محرومیت از آزادی باشد و چه در خفا و چه به صورت آشکار صورت پذیرد. همان گونه که می‌دانیم، خشونت در اشکال متفاوتی اعمال می‌شود ابعاد آن می‌تواند شامل خشونت فیزیکی، فرهنگی، اقتصادی، عاطفی / روانی، جنسی، حقوقی/ قانونی، دیجیتالی، سیاسی و غیره باشد. در حالی که مردم شاید تنها خشونت فیزیکی را بیشتر مد نظر داشته باشند. خشونت فیزیکی به «خشونت سرخ» معروف است چرا که آثار بیرونی و قابِل مشاهده به جا می گذارد. اما بقیه جنبه‌های خشونت معمولاً به خشونت‌های سفید معروف هستند و آثار آن برای دیگران مشهود نیست. اما بیشترین و بدترین خشونت اعمال شده علیه زنان خشونت روانی و عاطفی است که از جمله تهدید، فحاشی، انتقاد بی رحمانه، شک ، نادیده گرفتن، بد اخلاقی، خشونت کلامی و مواردی از این دست هستند. خانه به عنوان خطرناک‌ترین محل برای خشونت علیه زنان و دختران به شمار می‌رود و اگرچه خشونت خانگی در همه طبقات اجتماعی، تحصیلی اقتصادی، و نژادی یافت می‌شود منتها باز در یک سری از خرده فرهنگ‌ها بیشتر شاهد این پدیده هستیم.

زنان در همه دوران زندگی خود می‌توانند با خشونت روبرو شوند. علاوه بر همسر، پدر، برادر و فرزندان پسر، در برخی از اوقات از طرف زنان دیگر نیز زن‌ها مورد خشونت واقع می‌شوند. این زنان خشونت گر، کسانی هستند که خود به نوعی قربانی خشونت بوده‌اند و یکسری افکار و باورها چنان در عمق ذهنشان ریشه دوانیده که انگار راهی جز اعمال خشونت بر زنان دیگر ندارند و انگار می‌خواهند بدین گونه احساس حقارت و امیال سرکوب شده و زندگی نزیسته خود را جبران کنند و به شکلی از روزگار انتقام بگیرند، البته اکثر اوقات به صورت ناآگاهانه صورت می پذیرد.جالب اینجاست که اگر در بین زنان کسی بلند شود و ندای احقاق حقوق خود را سر دهد شاید ما زنان اولین افرادی باشیم که انواعی از القاب و برچسب‌ها را نثار او می کنیم. خیلی از زن‌ها و مردها دست کم در یک مورد اتفاق نظر دارند که «هیچ کدام به زن‌ها اعتماد ندارند» پس ما چگونه می‌خواهیم با چنین ذهنیت‌هایی خشونت علیه زنان را محو کنیم؟

به قول تهمینه میلانی «خشونت بی کلام، بی تماس بدنی، مردی است که وقتی در را باز می کند زن ته دلش یهویی خالی می شود. وجودش پر از ترس و اضطراب مبهم می‌شود. می ترسد که نکند کامل نباشد. او گمان می کند برای پذیرفته شدن باید چاق‌تر یا لاغرتر باشد، زیباتر باشد، عاقل‌تر باشد، سنگین‌تر باشد، خانه‌دارتر باشد. در نهایت خشونت آن چیزی است که زن نیست و فکر میکند باید باشد. خشونت آن نقابی است که زن به صورتش می زند تا خودش نباشد و برای مرد کافی باشد. مرد میتواند زن را له کند، بدون این که لمسش کند و بدون این که بخواهد، لهش کند.»

چه بسا برخی خشونت‌ها علیه زنان و دختران به بهانه عشق و دوست داشتن اعمال می‌شود اما این عشق‌ها جز ابزاری برای کنترل نیستند و حاصل این عشق ناپخته و کنترلگر هم زنانی افسرده، وابسته، غمگین، بی عزت نفس و اعتماد به نفس بیش نیست. این زنان قربانی، به مثابه مردگان متحرکی می‌مانند که شب را به روز و روز را به شب سر می کنند بدون داشتن انگیزه، امید و نشاط...

بیاید فراجنسیتی به رابطه‌ها نگاه کنیم و بیشتر به انسانیت، برابری و دوستی بپردازیم. بیایید در برابر خشونت سکوت نکنیم و بی‌تفاوت نباشیم وهیچ زنی را به پذیرش خشونت وادار نکنیم. رفع خشونت علیه زنان و دختران بسیار بلند پروازانه است، اما آرزو داریم این مهم به حقیقت بپیوندد.

### کارخانه پارچه‌بافی اعتمادیهٔ بوشهر

# آوای فیدوس در دواس



دکتر حمید اسدپور

تأسیس کارخانهٔ پارچه‌بافی اعتمادیه در بوشهر یکی از پدیده‌های جالب و قابل بررسی در تاریخ معاصر بوشهر و تاریخ صنعتی‌شدن ایران است زیرا تأسیس کارخانه و یک واحد صنعتی در شهری که محور اقتصاد آن تجارت و دریا نوردی بود و از لحاظ آب و هوا و شرایط جغرافیایی و ارتباطات زمینی با درون کشور دچار موانع فراوان بود و از خطوط راه‌آهنِ نوبنیاد کشور هم بهره‌ای نداشته و هنوز هم ندارد قدری شگفت و عجیب می‌نماید. با نظر و تأمل در فضای عمومی کشور در آن روزگاران و ظهور حسّ میهن‌دوستی و تعلق‌خاطر به هویّت ملّی نوظهور، می‌توان گرایش بسیاری از نخبگان اقتصادی و صاحبانِ سرمایه به مشارکت در صنعتی‌سازی و خودکفاییِ کشور را احساس نمود. کارخانه اعتمادیه بوشهر در سال ۱۳۱۶ خورشیدی در بوشهر تأسیس شد و به عنوان یکی از حلقه‌های مهم صنعت ریسندگی و بافندگی ایران در آن عصر پا به عرصه وجود نهاد. به عبارت بهتر کارخانه اعتمادیه بوشهر محصول شرایط و فضایی بود که در آن صنایع نساجی به صنعت پیشرو در ایران تبدیل شده بودند. علاوه بر شرایط عمومی امکان صادرات محصولات اعتمادیه از بوشهر به خارج از کشور و تأمین نیاز نواحی جنوب ایران و بخصوص بنادر و جزایر خلیج فارس یکی دیگر از علل تأسیس این کارخانه در بوشهر به شمار می‌رود.

**بنیانگذار کارخانه پارچه‌بافی اعتمادیهٔ بوشهر**

پایه‌گذار کارخانه پارچه‌بافی اعتمادیه در بوشهر شخصِ تاجری به نام محمدحسین ایگار بود که اصالتاً شیرازی بود و یکی از بازرگانان پیشرو در عرصه سرمایه‌گذاری صنعتی به شمار می‌رفت.

محمدحسین ایگار که از تجارت به صنعت روی آورد یکی از نمونه‌های روشن قشر نوظهوری بود که به سرمایه‌داری صنعتی علاقه نشان می‌دادند. او نه فقط در عرصه نساجی سرمایه‌گذاری کرد، بلکه در صنایع غذایی نیز فعال بود و کارخانه قند مرودشت را تأسیس نمود. ایگار در ششم خردادماه هزار و سیصد و سی و یک فوت کرد و در دروازه قرآن شیراز به خاک سپرده شد. وی از مردان خوشنام و خیّر شیراز بود که در جوانی به انگلستان رفت و با کسب دانش و اطلاعات فراوان در دوره رضاشاه به ایران بازگشته بود. او بعد از مراجعت به ایران، به عمران و توسعه شیراز توجه بسیار داشت که از آن جمله می‌توان به خرید دو دستگاه مولد برق به ظرفیت ۸۷ کیلو وات اشاره نمود که در خیابان سعدی شیراز نصب نمود. او به سال ۱۳۱۰ خورشیدی در شیراز یک باب کارخانهٔ پارچه‌بافی تاسیس کرد و به دنبال آن کارخانه چینی‌سازی را نیز در همان شهر براه انداخت. ساخت و ساز بنای جدیدِ دروازه قرآن شیراز در سال ۱۳۲۸ خورشَیدی نیز از جمله اقدامات ایشان است. وی در سال ۱۳۲۱ علاوه بر کمک به بنگاه‌های خیریه، یک باب نانوایی نیز تأسیس کرد تا نان با نصف به کارگران بی‌بضاعت بها فروخته شود.

**مکان و موقعیّت محل استقرار کارخانه اعتمادیه**

کارخانه پارچه‌بافی اعتمادیه در بندر بوشهر کوی دواس به سال ۱۳۱۶ خورشیدی تأسیس گردید.

کوی دواس قبلاً روستایی در حومهٔ بوشهر بود ولی اینک یکی از محلّات آباد و پررونق بندر بوشهر می‌باشد. دواس در لغت به معنای دلاور و دلیر و شیر آمده است. علاوه بر آن دواس به معنای مزرعه گندم و زمین رزاعتی نیز آمده است. کلمه دواس بر پایه شباهت با کلمه دو سه به معنای گذرگاه و یا پل و یا تکه چوبی که بین دو نقطه اتصال برقرار می کند نیز می‌باشد. دوسه نام تکه چوب باریکی است که ملوانان بین لبه کشتی و قایق و اسکله گذاشته و از طریق آن عبور می کنند. در برخی کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز محله‌هایی با نام دواس وجود دارد. همچنین در هندوستان نیز شهری بنام دواس در ایالت ماریا پرادش وجود دارد.

دواس قبل از تأسیس کارخانه اعتمادیه، روستایی قدیمی بود که اهالی آن عمدتاً به کشاورزی و دامپروری و نیز فعالیّت‌های مربوط به دریا از قبیل صیادی می‌پرداختند. نظر به حاصل‌خیزی خاک و وجود منابع زیرزمینی آب شیرین، کشاورزی و باغداری و نیز دامپروری در آن رواج داشت. در اواخر دوره قاجاریه بسیاری از اعیان و اشراف بوشهر شروع به ایجاد باغ و بوستان و عمارت‌های تفریحی در محلات جنوبی بوشهر و از جمله محلهٔ دواس و محله بهمنی نمودند. دواس مقصد بسیاری از این اعیان و اشراف شد و باغ‌هایی بوسیله تجار مسلمان و غیرمسلمان از قبیل ارامنه در آن ساخته شد. بخشی از باغ‌ها و مزارع کشاورزی دواس همانند برخی از محلات دیگر همچون محلهٔ باغ ملا و باغ نار در اواخر دهه چهل خورشیدی هنگام تأسیس پایگاه هوایی ششم شکاری بوشهر جزء محوطهٔ پایگاه هوایی و فرودگاه قرار گرفت و از بین رفتند. کارخانه اعتمادیه در محل یک باغ معروف به باغ جمس ساخته شد.

در حال حاضر دواس یکی از محلات آباد و پررونق در جنوب بندر بوشهر است که با خیابان‌ها و ساختمان‌های مدرن و چند طبقه چهره یک محلهٔ نوساز و مدرن را به خود گرفته و به شهر بوشهر متصل شده و جمعیّتی بالغ بر ده هزار نفر را در خود جای داده است. پایگاه خدمات بهداشتی و درمانی دواس یکی از قدیمی‌ترین مراکز بهداشتی بوشهر است و بیمارستان امام علی نیز که متعلق به نیروی هوایی ارتش می‌باشد در بخش شمالی دواس قرار گرفته است. وجود مراکز دانشگاهی، مدارس گوناگون و استقرار مراکز رفاهی و خدماتی و فروشگاه‌های بزرگ در دواس و محلات همجوار باعث شده که دواس به یک محله مهم و جذاب تبدیل شود.

**چگونگی تأسیس و راه‌اندازی کارخانه اعتمادیه**

کارخانه پارچه‌بافی اعتمادیه با سرمایه‌ای بالغ بر سه میلیون ریال که دو میلیون ریالِ آن وام دولتی بود در اسفند ماه سال ۱۳۱۶ خورشیدی در محله دواس بوشهر تأسیس شد و آغاز به کار کرد. ساختمان کارخانه در آذر ماه ۱۳۱۵ ساخته شده بود. کارخانه در ابتدا متعلق به آقای حسین ایگار بود ولی ایشان در سال ۱۳۱۷ آن را به شرکت سهامی تبدیل کرد و از طریق فروش اوراق سهام، شرکایی پیدا نمود.

مساحت زمین کارخانه در حدود هفت هکتار بود و این مساحت شامل آن دسته از زمین‌هایی که بعداً توسط کارگران و کارکنان خریداری شده و در آن به ساختن منازل مسکونی اقدام نموده بودند نمی‌شد.

ماشین آلات کارخانه که امروزه بقایای بخشی از آنها در سازمان میراث فرهنگی بوشهر به شکل نامطلوبی نگهداری می‌شود، ابتدا از کشور آلمان وارد شد ولی در دوره‌های بعد و به طور مشخص در سال ۱۳۴۲ از ژاپن وارد شدند. کارخانه اعتمادیه تا سه سال پس از تأسیس از نیروی برق بهره‌مند نبود و در سال ۱۳۱۹ خورشیدی موتور برق این کارخانه نصب و راه اندازی شد. عملیات این کارخانه عبارت بود از تبدیلِ پنبه به نخ و سپس بافت و تولید انواع پارچه مخصوصاً پارچهٔ متقال. پنبه‌های مورد نیاز کارخانه را از گرگان در شمال کشور و شهرستان داراب در استان فارس تهیه و خریداری می کردند. برای استحکام بیشترِ نخ‌های بافته شده، آنها را به مواد اولیه‌ای همچونِ نشاسته و روغن آغشته می کردند. پارچه‌های تولیدی شرکت اعتمادیه بوشهر دارای مرغوبیّت قابل‌قبولی بود به گونه‌ای که در سال‌های نخست فعالیّتِ شرکت، بازار مناسبی برای محصولات آنَ پیدا شَد و حتّی صادرات محصولات آن به خارج از کشور نیز صورت گرفت.

**فراز و نشیب‌های کارخانه پارچه‌بافی اعتمادیه**

این کارخانه که در سال ۱۳۱۵ ساخته و در سال ۱۳۱۶ افتتاح شده بود در سال ۱۳۱۷ به شرکت سهامی تبدیل شد ولی ریاست هیأت مدیر همچنان بر عهدهٔ حسین ایگار باقی ماند. اندکی بعد اختلافاتی بین اعضای هیأت مدیرهٔ شرکت ظهور کرد و شکایت‌نویسی آغازشد. شرکت در طول هفتاد و دو سال فعالیّت خود شاهد فراز و نشیب‌های متعددی بود که از آن جمله می‌توان به اختلافات هیأت مدیره با یکدیگر، اختلافات هیأت مدیره با کارگران بر سر دستمزد، فعالیّت‌های سیاسی و اجتماعی کارگران، جنگ جهانی دوم، ملّی شدن نفت، کودتای ۲۸ مرداد و رکود و رونق بازار محصولات کارخانه و کاهش و افزایش کارگران اشاره نمود.

به طور مثال این کارخانه در سال ۱۳۱۸ خورشیدی به علت کمبود نقدینگی و سرمایهٔ درگردش دچار تعطیلی موقت گردید اما در خلال سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ به بازار فروش بسیار خوبی دست یافت و قیمت محصولات تولیدی آن مرتب افزایش می‌یافت. برابر اسناد و گزارشات موجود در اتاق بازرگانیِ بوشهر در شهریور ماه ۱۳۲۲ قیمت برخی از محصولات کارخانه اعتمادیه به علّت رواج بازار نسبت به ماه گذشته ترقی کرده و چیتِ گلدار هر متر از ۲۱٫۵ ریال به ۲۵ ریال، پارچهٔ شلواری راه‌راه مشکی از ۲۲ ریال به ۲۵ ریال، چیت عنابی از ۲۷ ریال به ۳۲ ریال و متقال از ۱۸٫۵ ریال به ۲۰ ریال افزایش یافته بود.




این روند در مهر ماه همان سال نیز ادامه یافت و به گزارش اتاق بازرگانی بوشهر، مجدداً ۱۵ درصد به قیمت محصولات شرکت افزوده شد. متن گزارش اتاق بازرگانی این چنین است: «به واسطهٔ داشتنِ مشتری زیادِ بازار معامله آن صدی پانزده ترقی نموده است.» در فروردین ماه سال بعد یعنی ۱۳۲۳ نیز قیمت محصولات شرکت افزایش یافت امّا در اردیبهشت ماه به علّت رکود اقتصادیِ بوشهر و کشور، بازار محصولات این شرکت دچار کسادی شد و رونق خود را از دست داد. برابر گزارش‌های موجود در اردیبهشت ماه آن سال خریداری برای پارچه‌های این شرکت در بازار وجود نداشت. در شهریور ماه همان سال، بازار معاملهٔ انواع محصولات کارخانه اعتمادیه ساکت بود و خرید و فروش نداشت.

در سال بعد یعنی ۱۳۲۴ دوباره رونق به بازار محصولات کارخانه بر می گردد و محصولات آن از فروش خوبی برخوردار می‌شوند. در تیرماه ۱۳۲۴ به واسطه گرمی زمینهٔ تجارت، بازار محصولات کارخانه اعتمادیه رواج کامل یافت و بهای اقسام آن به شرح ذیل بوده است: «چیت گلدار متری ۲۹٫۵ ریال شلواری راه مشکی متری ۲۷٫۵ ریال متقال ۲۳٫۵ ریال ریسمان ۱۶٫۵ ریال بقچه ۵۰۰ ریال و ریسمان ۱۰ متری ۴۵۰ ریال».

بنظر می‌رسد که محصولات کارخانه اعتمادیه در طول ده سالِ نخست فعالیّت دچار تنوع شده و از متقال که محصول اوّلیه بود به محصولات دیگری همچون پارچهٔ شلواری، چیت گلدار، ریسمان و بقچه هم رسیده بود. درسال ۱۳۲۸ کارخانه اعتمادیه دوباره دچار رکود می‌شود که علّت آن رکود اقتصادی بندر بوشهر بود. برابر سند شماره ۳۵۰۰/۹۰۴۳ که در سازمان اسناد ملی نگهداری می‌شود، کارخانهٔ اعتمادیه در سال ۱۳۲۸ به علت رکود اقتصادی بوشهر تعطیل شد.

کارخانه اعتمادیه در طول ده سال اوّل فعالیّت خویش یعنی از سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۲۷ دوران درخشانی را پشت سر گذاشت ولی از ۱۳۲۸سال تا ۱۳۳۲ دچار رکود شد. برابر اسناد موجود درسال ۱۳۳۰ کارخانه به علت کمبود مواد اوّلیه دچار تعطیلی شد.

از اواسط دهه سی، اندک اندک شرایط کارخانه بهبود یافت به گونه‌ای که در بین سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۰ بازار محصولات شرکت از رونق خوبی برخوردار شد و این شکوفایی و توسعهٔ فعالیّت‌های شرکت موجب شد که برخی از تجار و سرمایه‌داران بوشهری به فکر تأسیس یک کارخانهٔ جدید پارچه‌بافی بیافتند و به این ترتیب کارخانه ریسندگی و بافندگی خلیج فارس توسط تاجر معروف بوشهر، حاج رضا هفته در بوشهر تأسیس گردید. کارخانه ریسندگی و بافندگی خلیج فارس پس از چند سال فعالیّت به علت واقع شدن زمین و محل کارخانه در طرح ایجاد پایگاه هوایی بوشهر به ناچار تعطیل و برچیده شد. محل کارخانه ریسندگی و بافندگی خلیج فارس هم اینک در درون محوطه پایگاه هوایی و فرودگاه بوشهر قرار دارد. یکی از مشکلات کارخانه اعتمادیه در آغاز دهه چهل خورشیدی مشکلات فنی کارخانه و از جمله فرسودگی ماشین آلات و ابزار آن بود. بر اثر همین مشکلات فنی، کارخانه اعتمادیه در سال ۱۳۴۲ مجدداً دچار رکود شده و تعطیل شد. علاوه بر فرسودگی ماشین‌های کارخانه، کمبود نقدینگی نیز مزید بر علّت شده بود.

در این شرایط بود که تاجری شیرازی بنام حاج علی کاظمی در سال ۱۳۴۲ کارخانهٔ پارچه بافی اعتمادیه را از صاحبان قبلی آن خریداری کرد و با تزریق سرمایه به کارخانه و نوسازیِ آن و جایگزینی ماشین آلات جدید ژاپنی به جایِ ماشین آلات فرسوده که متعلق به بیست و شش سال قبل بودند، جان دوباره‌ای به کارخانه بخشیده و باعثِ شکل گیری دوران جدیدی از فعالیت‌های کارخانهَ شد که حدود چهل و شش سال طول کشید. فعالیّت شرکت در طول دهه چهل به حدّی بود که کارگران سه شیفت کار می کردند و کارخانه مشغول تولید انواع پارچه بود. در طول دهه پنجاه نیز این رشد و ترقی ادامه داشت به طوری که حدود ۱۵۰ نفر کارگر هندی نیز در کارخانه بکار گرفته شدند. علاوه بر این، بنا به گفته برخی از اهالی دواس، در سال ۱۳۵۳ تعدادی از کردهای عراقی که توسط دولت عراق از آن کشور رانده شده بودند در این کارخانه مشغول به کار شدند.

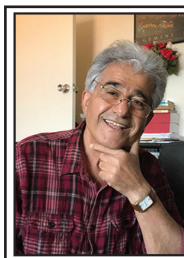
کارخانه اعتمادیه در این سال‌ها دارای ۴۰ دستگاه ماشین پارچه بافی و نخ ریسی بود و در دوران اوج فعالیّت آن تعداد کارگران به بیش از دو هزار نفر رسیده بود. تعداد کارگران کارخانه در سال‌های اولیه ۷۰۰ نفر بود که به تدریج افزایش یافت و به دو هزار نفر رسید. در بین کارگران کارخانه، بانوان نیز حضور داشتند و تعداد آنان نیز قابل توجه بود. حقوق زنان کارگر نصف حقوق مردان بود و از آن ها در شیفت شب استفاده نمی‌شد.

به علّت افزایش تعداد کارگران کارخانه که از نقاط مختلف استان بوشهر بودند و به خاطر قرار گرفتن محل کارخانه در حومه بوشهر، رفته‌رفته مسئله اسکان کارکنان کارخانه و خانواده‌های آنان در مجاورت کارخانه مطرح شد و به این منظور روبروی ضلع غربی کارخانه اقدام به تأسیس منازل مورد نظر شد و این امر گسترش یافت بگونه‌ای که سیمای محله دواس را دگرگون کرد. هنوز کوچه‌ها و برخی منازل باقی مانده از آن دوره در محله دواس قابل مشاهده است. (ادامه دارد)

* فیدوس نام زنگی است که هنگام شروع به کار در کارخانه نواخته و صدای آن در محیط کارخانه و حتّی اطراف شنیده می‌شد و دواس نام محله‌ای است در بوشهر که کارخانه در آنجا مستقر بود.

# به داد شهر برازجان برسید تا صنعت گردشگری دشتستان رونق بگیرد





دکتر محمود دهقانی

تنها فصلی که شهروندان سردسیری به کرانه شاخاب پارس و شهرهای استان بوشهر می آیند پایان زمستان و فرا رسیدن بهار است. مسئولان صنعت گردشگری برازجان مرکز دشتستان توان مدیریت علمی این صنعت را ندارند. این ناتوانی اکنون بوجود نیامده، بلکه ریشه در سال ها پیش تا به امروز دارد. هر چند بندر بوشهر یکی از بندرهای پیشینه دار کشور است اما این استان با داشتن ۶۰۰ کیلومتر کرانه دریایی در شاخاب پارس (خلیج فارس)، به استان‌های کهگیلویه و بویر احمد، خوزستان، پارس و هرمزگان چسبیده و با کمترین جمعیت، بالاترین شمار شهروندان بیکار را دارا می باشد. برازجان از شهرستان‌های برجسته این استان، نمائی آشفته دارد که در آن به ویژه در گستره رانندگی، فرهنگ لازم نهادینه نشده و اگر گردشگر بخت برگشته ای هم به آن پا بگذارد، با پای شکسته به شهر خود برخواهد گشت.

این شهر بر سر راه شیراز به بوشهر، نه تنها پیشینه باربری و جا به جایی کالا در آن از دیر باز آغاز شده، بلکه «نساء بهزادی» نخستین زن راننده کامیون ایران در ۸ کیلومتری همین شهر، در خوشاب چشم بر جهان گشود. راهنمایی و رانندگی این شهرستان باید برای برقراری شیوه درست رانندگی راهی بجوید. شوربختانه چیزی که در عقب افتادگی شهر ریشه دوانده، اختلاس و بند و بست های نادرست است. دلوار، سعدآباد، سیراف، کنگان، دیلم، جم، دیر، دشتی، گناوه، اهرم، خورموج، ریگ، امام حسنی، عسلویه و شهر نوپای عالی شهر نیز کم و بیش روزگارشان بر همین لولا می چرخد.

از میان آبخوست ها نیز آبخوست (جزیره) پرآوازه خارگ و آبخوست های کوچکی از جمله خارگو تحیلو، شیف، گرم و عباسک و ریز و درشت دیگری هستند که برخی از آن ها را می‌شود بسیار زیبا کرد و رمقی به روح رمیده این استان در گستره گردشگری داد. اما چون کار این صنعت در دست مدیران ناکارآمد است مردم توان جا به جایی و گردش ندارند. مردم استان بوشهر شیعه و سنی هستند. یکی از استان هایی که زندگی مسالمت آمیز و صلح دوستی آن ریشه در فرهنگ بالنده مردم آن دارد.

با خشکسالی های طاقت سوز تاریخی، خوراک های شهر برازجان و سراسر استان بوشهر از تنوع بالایی برخوردار نیستند. هیچ گونه نوآوری نیز در این زمینه دیده نمی شود. جا دارد رسانه های نوشتاری و صدا و سیمای استان در این باره دست به آموزش و تلاش بزنند. از میان خوراک های استان یکی دو خوراک دریایی از جمله قلیه ماهی، خورشت میگو، ماهی دودی با دال عدس را می‌توان نام برد. پدران ما پس از سررسیدن شرکت های نفتی آبخوست خارگ و فرزندان پس از پیدایش غول انرژی گازعسلویه، براین باور شدند که سفره ها رنگین تر خواهد شد، اما تا به امروز نه رویای پدر به حقیقت پیوست و نه آرزوی فرزند.

به دلیل نخلستان‌های گسترده، از میان دسرها تنها رنگینک و حلوا ریشه سنتی دارد که گلاب و زعفران آن نیز بومی نیست. نکته دیگر آن که، هر چند شهرستان برازجان روزگاری چاه آب و چرخ بادی داشت و دارای رونق کشت سبزی بود و در شروه های محلی می خواندند "براز گون یاد پرپین و پیازت" اما هم اکنون به دلیل نا کارآمدی مسئولان، سبزی خوردنی بوشهر نیز ازاستان فارس می آید. سبزی هایی چون"کاکل" و "منگک" که در شوره زار می روید نیز اگر مسئولیت کشت آن برعهده مسئولان کنونی بود از میان می رفت و ناپدید میشد. البته کاکل و منگک و خرما نیز، فشار و قند خون شهروندان این استان را بالا برده که دارو در آن نایاب و اگر هم یافت شود بهای کمرشکن دارد.

اگر پرتو فانوس تاریخ بر بندر بوشهر روزگار نادر شاه افشار تا به امروز تابانده شود، دیده خواهد شد که در روزگار زند و قاجار این بندر بیشتر از پیش نامی برجسته پیدا کرده چرا که کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های بازرگانی کشورها از جمله انگلستان، روسیه، آلمان و عثمانی در آن آغاز به کار کردند. اما پس از آن این بندر که مرکز استان است، نتوانسته خودی بنمایاند و همچون بندرهای رقیب آن سوی شاخاب پارس سری در سرها نشان دهد و کمر راست کند.

شهرداران و مسئولان استان بوشهر را می بایست از میان کسانی برگزید که برای کار کردن بر سر کار آمده باشند نه پول پاروگری. برخی از آنان پس از پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ خطاهای بسیار کرده اند چرا که اگر از آن روز دگرگونی در امور شهر به ویژه در شهرستانی چون دشتستان آغاز شده بود، مشکلات تا به امروز بر هم تلنبار نمی شد.

در گستره شهرسازی پس از انقلاب نیز ناکارآمدی برخی شهرداران و شهرسازان باعث زدودن زیبایی از چهره شهر برازجان شده است. در خیلی از کشورها نخست از هر چیز به شهرهایی با پیشینه تاریخی و سیاسی بیشتر رسیدگی می کنند اما در صنعت گردشگری برازجان هنوز نتوانسته اند این شهر را در خور دیدار کنند. آوازه برازجان در میان شهروندان سراسر کشور تنها از آن روی می باشد که پیش از انقلاب تبعیدگاه دگر اندیشان بود. امروز نیز ناکارآمدی و فراتر از آن نابخردی مسئولان، برازجان را قفس بی روزنه شهروندان خود کرده است. شهری که در آن تنوعی یافت نشود، شهری عبوس خواهد بود.

از آن جا که برخی از شهرسازان و مسئولان بیشتر از کارهای اساسی، به بزک کردن شهر روی می آورند برازجان شهر دلگشایی نیست. شهر غمزده و عبوسی است که نمای درونی شهرسازی آن چنگی به دل نمی زند. به شهرهای گرمسیری سراسر جهان با تنوع و آبادانی بیشتر رسیدگی می شود تا شهروندان به شهر خود خو گرفته و به گسترش بازرگانی و پیشرفت آن بپردازند. اما در شهر برازجان با دانش پایین مسئولان، شهروند شاهد تنوع شهری در زادگاه خود نیست. بر رسانه هاست تا اهمیت زیباسازی شهرها را به صدا درآورند و دولت برای این کار به گونه سراسر جهان می بایست پشتیبان رسانه ها باشد. رسانه ها دوربین های مدار بسته شهر هستند.

باید به یاد داشت که برای پیشرفت یک شهر به ریخت و پاش نیاز نیست، بلکه گزینش مسئولان ماهر و دلسوز و غیر چاپلوس درمان درد است. فصل حرف زدن به سر آمده، نوبت عمل گرایی است. با نظارت فنی و مهندسی از سوی دولت، می بایست به امور نه تنها برازجان بلکه شهرهای سراسر استان که انرژی یک سده جهان را در خود دارد، پرداخت و دلسوزان با تجربه بر کارها گمارد.

نمای کنونی شهر برازجان با تمام پیشینه ای که سند آن کاخ چرخاب است نباید این چنین باشد. این شهر محقر و بدون پیشرفت به دلیل ریخت و پاش و کمبود بودجه نمی تواند کمر راست کند.

مردم دشتستان حق دارند دارای تسهیلات ورزشی، بهداشتی و زندگی خوب و آبرومند برای فرزندان خود باشند. برخی از مسئولان بومی که دل در گرو شهر خود دارند نیز بجز مانورهای تبلیغاتی و بزک کردن، به سبب کمبود بودجه نتوانسته‌اند دستی بر سر و روی غبار آلوده این شهرستان بکشند. اگر بودجه هم داده شده همچون سرکه، در زمین فرو رفته است. استان بوشهر تختگاه میلیاردها متر مکعب گاز است. شهرداری و شهرسازی و میراث فرهنگی دردشتستان پایش می‌لنگد و تا دولت آقای رییسی و یا هر دولتی آستین بالا نزند و سرپرست های آزموده و کار کشته برای شهری چون برازجان بر نگزیند، آش همان آش و کاسه همان کاسه خواهد بود.

سال ها پیش که میراث فرهنگی داشت دستی بر سر و روی دژ برازجان می کشید با داشتن نامه از سوی سازمان میراث فرهنگی کل کشور به این دژ سر زدم. همان روزگار به مسئول بلند پایه ای در مرکز استان گفتم آنچه در این دژ در حال انجام است یک بزک است و بویی از بازسازی و نوآبادی ندارد. شکاف و درز دیوار، نیاز به بازسازی دارد نه پاشیدن گچ بر سر و روی ساختمان.




در سفری دیگر برای سنجش حال و هوای کاروان ها در شب این دژ روزگار مَشیر که برق و روشنایی وجود نداَشت، باَ فرو نشسَتن آفتاب به آنجا رفتم. نگهبان جلوی من را گرفت. هنگامی نامه به او نشان دادم دست پاچه شد و به درون ساختمان راهنمایی شدم. در آنجا مصالح برهم تلنبار و بخشی از گچ و ساروج از سر بی احتیاطی کارگران آب خورده و همچون سنگ در گوشه ای قرار داشت. بوی دود تریاک چند نفر در زیر یکی از تاق ها، در سراسر محوطه درون پیچیده و فضا را پر کرده بود. پس از آن که به تعارف دم و دود جواب منفی دادم، با اندوه کاروانسرایی را ترک کردم که میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک می خواست نماد و گل سرسبد شهر پیشینه دار برازجان باشد و اقتصاد آن را شکوفا کند.

در روزگار کنونی با برجسته نمودن پیشینه باستانی برازجان و دیدنی‌های استان بوشهر می شود آن را گردشگاه زمستانی شهرهای سردسیر کشور نمود.

یکی از جاهای دیدنی این استان که در سراسرِ کشور بی همتاست، گنبدهای نمکی است که از برَازجان دور نیست. درحاشیه جاده خورموج به کنگان، رنگ سفید گنبدهای نمک همچون کوه پر برف، زیبایی بی مانندی به بخش شرقی دشت داده و کوه جاشک با درهم آمیختگی رنگ های چشم نواز و قندیل‌های زیبای نمکی **"استلاگتیت"** از شگرف ترین پدیده زمین شناسی است. کافی است میراث فرهنگی با دلگرمی به بخش اجتماعی و خریداری دو اتوبوس کولردار، و دو راهنما شهروندان سن و سال دار برازجانی را با فروش بلیط به پیرامون شهر برای گردش ببرد. نه تنها کار تولید می شود بلکه سالمندان را نیز با پولی ناچیز به گفتگو و به یاد جوانی می اندازد و از بودن در شهر آبایی خود لذت می برند.

در عسلویه شعله‌های گاز در شب برای گردشگر زیبا و دل انگیز است. چشمه‌های آب گرم **"آب باد"**اهرم، چشمه آب گرم دالکی برازجان گردشگر پذیر است. چهل‌خانه سعدآباد و رودخانه و نخلستان‌های آب‌پخش و شبانکاره را می‌بایست در قاب چشم گردشگر برجسته نمود. این ها گوشه های زیبای پیرامون برازجان است که نیاز به تسهیلات آمد و رفت ارزان و خوراک خوری و فروشگاه های پاکیزه بر سر راه خود دارد.

ساختمان باستانی **"گورِدختر"** همسنگ با آرامگاه کورش هخامنشی، در دشتستان قرار گرفته است. بخش **"زیرراه"** سعدآباد دشتستان پیشینه سقوط شهر **"توز"** یا **"توج"** روزگار ساسانیان به دست یورشگران عرب را به یاد می آورد.

آثار باستانی آهنربای جذب گردشگر است. در شهرهای کشورهای پیرامون کشور ما از سر ناچاری آثار باستانی می سازند، اما در شهرستانهای درون کشور ما به ویژه در دشتستان آثارهای بیش از یک هزاره ای هست. برازجان و پیرامون آن سرشار از جاهایی است که با گزینش سرپرستان آشنا به کار صنعت گردشگری نه تنها می تواند گردشگران شهرهای سردسیر را به برازجان و پیرامون بیاورد، بلکه شهروندان و بومی های دشتستانی را نیز از دل مُردگی نجات بدهد. ساختمان کاروانسرای زیبای قاجاری **"دژ برازجان"** نباید دفتر و دستک میراث شود. این ساختمان می بایست در شمار ساختمان های پیشینه دار شهر، جای بازدید گردشگران شده و در هر کدام از دهنه های درون ساختمان با فروش دست باف ها و صنایع دستی بومی درد اقتصادی شهر را درمان نمود. درآنجا می توان چندین شهروند را به کار سرگرم کرد و از بیکاری نجات داد.

در رژیم گذشته آقای مهندس بازرگان، آیت الله طالقانی و برخی از اعضای حزب توده و مبارزان پیشین در آن زندانی بوده‌اند. در دهنه ای از ساختمان می توان آثار نوشتاری و کتاب های آنان را به فروش رساند. در دهنه های دیگر می شود بازاری فرهنگی از تولید شهرستان های استان راه انداخت. درون این دژ زیبا که شکوه معماری روزگار قاجار و نمای سبک کاروانسراهای شاه عباسی را بر چهره دارد، با نور نارنجی غروب خیلی دل انگیز است.

**پُل حاج محمدرحیم** بر سر راه تنگ ارم هنوز پابرجاست ولی به بازسازی نیاز دارد. این پُل در کنار جاده بوشهر به شیراز یکی از پُل‌های زیبای دیدنی است که استان بوشهر را بر روی رود دالکی به استان فارس پیوند زده است. میراث خواران فرهنگی که شمارشان کم نیست را باید شناسایی کرد و آن ها را از دلسوزان این وزارتخانه جدا نمود. اگر میراث خواران درمانگر درد میراث نیاکانی بودند که کاروانسرای دالکی و پل تنگ ارم همراه با خیلی از ساختمان های کهن پیش چشم شهروندان فرو نمی ریخت.

برنامه‌ریزی درست و حساب شده جذب گردشگر به سرپرست های کارکشته ای نیاز دارد که دل در گرو ملت خود داشته باشند. شوربختانه میراث فرهنگی و گردشگری و شهرداری و شهرسازان با سر و روی زشت شهر، و با بازارهای بد ریخت و بدبو، و موش‌های زمخت نمی توانند میزبان خوبی برای گردشگران باشند. تا دیر نشده می بایست به داد شهر برازجان رسید تا صنعت گردشگری دشتستان رونق بگیرد.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

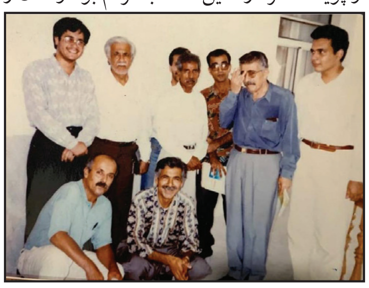
صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



# تأثیر منوچهر آتشی در فضای ادبی ایران زمین



**عبدالمجید زنگویی:** تأثیر شگفت انگیز و غیرقابل انکار منوچهر آتشی در شعر امروز ایران زمین را نمی توان نادیده گرفت. آتشی بی گمان در بین ده شاعر مطرح و برجسته و طراز اول سبک نیمایی و شعر امروز ایران جا دارد. پس اگر بخواهیم ده شاعر طراز اول و برجسته سبک نیمایی را برگزنیم، آتشی یکی از آنان خواهد بود. تأثیر این شاعر همین بس که هنگامی که فروغ فرخزاد دفتر شعر "آهنگ دیگر" را می بیند، اظهار می دارد که این شعر او را دگرگون کرده است (نقل به مضمون).منوچهر آتشی شاعری است نوآور و اثرگذار، بالنده و پویا، شاگرد راستین نیما یوشیج و همان کاری که نیما با فرهنگ و آداب و عادات شمال کرد، آتشی هم با فرهنگ جنوب.



آتشی نه تنها واژگان بومی که فرهنگ، آداب و عادات و تاریخ جنوب ایران را در شعرش مطرح کرد تا به کمک شعر ملی آمده و آن را بارورتر و شکوفاتر کند. خلاقیت و بومی گرایی یکی از علل و اسبابی است که به شکوفایی هر چه بیشتر شعر معاصر ملی کمک می کند. او شاگرد وفادار و متعهد نیما یوشیج است که با تمام وجود به هنر و کارش عشق می ورزد. شاعری که در کنار نوآوری، متعهد و مردمی است. که این تعهد و نوآوری از "آهنگ دیگر" تا آخرین اثرش (بازگشت به درون سنگ) آشکار است. شاعری است هم بومی و هم ملی، که بر شاعران پس از خود و همزمان خود، به ویژه جنوبی ها اثر گذاشته است و اگر بگوییم که معلم شعری بیشتر شاعران استان بوشهر است، اغراق نگفته ایم.

معلمی فروتن که هرگز شاگردان جوان را از درگاه خویش نمیراند و مأیوس نمی کرد و در ارشاد و راهنمایی بسیار دوستانه و پیشنهادگونه، سخنش را بیان می نمود. این فروتنی و تواضع در اشعارش نیز هویدا است.

حافظ نَیم تا سرود جاودانم / خوانند یا رقصند ترکان سمرقند / ابن یمینم پنجه زن در چشم اختر / مسعود سعدم روزنی را آرزومند/ من آمدم تا بگذرم چون قصه ای تلخ / در خاطر هیچ آدمیزادی نمانم./ اینجا نَیم تا جای کس را تنگ سازم / تا چون خداوندان بی همتای گفتار / بی مایگان را از ره تاریخ رانم ... (آهنگ دیگر).

آتشی با شعرش می زیست، همه ی زندگی اش شعر بود و شاعری که تا آخرین لحظات زندگی نیز به شعر فکر می کرد.

در خوشی ها و ناخوشی ها، هنجارها و ناهنجاری ها با مردم بود و آنان را دوست می داشت، همانگونه که مردم او را. جالب این که آتشی غیر از شعر نیمایی و بعدها شعر سفید، در شعر کلاسیک هم، مانند غزل، مثنوی، رباعی و دوبیتی دستی توانا داشت آن هم با نوآوری، که دفتر غزلیات (باران برگ ذوق) حاصل آن است. چنان که در مقطع غزلی گفته است:

در غزل هم آتشی هم نقش مجزا می زند
گر چه عمر ما همه در شیوه ی یوشی گذشت

همه این ها روی هم از آتشی شاعر جنوبی، چهره ای ماندگار، اثرگذار، دوست داشتنی و جاودانه ساخته است. که بر دل شعردوستان حکومت می کند.

در پایان ناگفته نگذارم که، آتشی غیر از سرودن شعر، در پژوهش و ترجمه هم دست داشت، که درخور توجه است. و نیز اشاره می کنم به آثاری مانند: زندگی و شعر منوچهر آتشی، پلنگ درّه دیزاشکن (فرخ تمیمی)، آتشی در مسیر زندگی (سیدقاسم یاحسینی)، شعر زمان ما منوچهر آتشی، انتشارات نگاه (فیض شریفی)، یادنامه زنده یاد منوچهر آتشی (به سعی محمدجواد حق شناس)، مرا تلنگر یادت بس (یادنامه منوچهر آتشی، به کوشش محمد ولی زاده).

همه این ها نشان از تأثیر شعر منوچهر آتشی بر شعر معاصر است و توجه و عنایت خاص خوانندگان، منتقدین و پژوهشگران به آثار این جاودانه شاعر.

بوشهر قدیم

## اهدای کفش از سوی سفیر دولت فرانسه، به فقرا و ایتام مدرسه سعادت بوشهر!



امید زاهد

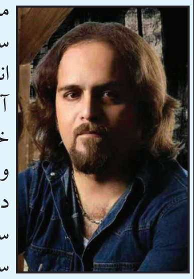
فرانسوی‌ها وقتی برای نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم میلادی پایشان را روی خاک بوشهر گذاشتند، ساختمان زیبایی را که پیشتر محل سکونت کنسول هلند بود، برای محل استقرارکنسولگری خودشان خریداری کردند و به تجارت و رقابت با دیگر کشورهای اروپایی حاضر در بندر بوشهر مشغول شدند. فعالیت‌های اقتصادی فرانسوی‌ها در بوشهر و خلیج فارس واردات قند و شکر مارسی و کالاهای دیگری چون شیرینیجات، آب‌نبات،اسلحه کمری، کنیاک،روغن‌نباتی،سرکه، شمع و انواع و اقسام کالاهای دیگر فرانسوی بود. اما فارغ از امور اقتصادی، کارهای فرهنگی نمایندگی کنسولگری فرانسه در بندر بوشهر واقعا چشمگیر بود. از آن جمله گشایش مدرسه آموزش زبان فرانسوی، برگزاری سالانه جشن روز ملی انقلاب فرانسه با دعوت و حضور اعیان و تجار بوشهر و نیز کاوش‌های باستان‌شناسی، بخشی از تلاش‌های فرهنگی فرانسوی‌ها در بندر بوشهر به شمار می‌رفت. جالب آن که یکسال پس از انقلاب مشروطه ایران، وقتی سفیر دولت فرانسه از بوشهر بازدید کرد به مدرسه سعادت رفت و به دانش آموزان ایتام و فقرا که به رایگان در مدرسه پذیرفته شده بودند، کفش اهدا کرد.



باید به دیده داشت که فرانسوی‌ها در میان رقابت شدید روسیه، انگلستان و آلمان توفیق چندانی در تجارت نیافتند، اما کارهای فرهنگی آنها در بندر بوشهر مورد توجه نخبگان و روشنفکران و طبقات اجتماعی بود، به طوری که ترجمه آثار نویسندگان فرانسوی در روزنامه مظفری (چاپ بوشهر) از سر گرفته شد و دیدن جشن‌های سالانه «عید ملی فرانسه» در بندر بوشهر، به پیشتازی آزادی‌خواهی و مشروطه‌خواهی مردمان این کهن دیار در انقلاب مشروطه ایران انجامید.

# اسب سفید وحشی

## شهراد میدری



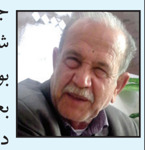
مانا نام "منوچهر آتشی" سراینده ای که باید بر انتهای آغازش از نو و به آهنگی دیگر از خلیج تا خزر و از سیراف ادویه و هلهله تا قفقاز توتون و دلبرانگی شناختش و آن سوتر از قصیل زار اسب سفید وحشی سروده های بکر و زیبایش را از نغمه ی کبکان کبکینه خرام زاگرس نیوشید و آهووار از چشمه سار زلالینگی دره ی دیزاشکن واژه واژه نوشید و زیباتر از شکل قدیم جهان در باغهای گندم و گیلاس در وصف گل سوری اش چامه و چکامه آغازید...

بزرگ‌مرد دشتستان زاده ای که مایه ی نازش و فخر شعر جنوب است و سروده های ماندگارش تا جاودانه ها بر بلندای آسمان فیروزه گون بوشهر خواهد درخشید.

آفتاب نامش زرکوب مانای سپهر...

# دیگر قلعه ای نیست

## اسکندر احمدنیا



جایگاه آتشی در شعر نیمایی و شعر بعد از نیما، آموزش و انتقال بود، اشعار آتشی به خصوص بعد از چاپ مجموعه «آهنگ دیگر»، ایجاد یک سبک جدید بین اشعار نو قدمایی و دریچه‌ای نو در وادی سرایش شعر امروز بود، آفریده‌های آتشی نوعی تحول وآموزش بود، نگاه او در خلق شعرناب که راهیان زیادی داشت، آموزشی شعرانه در فضای شعرنیمایی بود و هست!

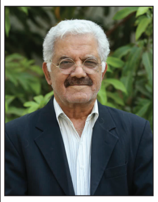
**دیگر قلعه ای نیست**

**با یاد کاروان سالار شعر جنوب: منوچهر آتشی**

**توی هر شهر می توانی**
**بی لالایی بخوابی**
**و اصلا به این فکر نباشی**
**که با شمارش عقربه ای یا انگشتانت**
**که آرزوی فشردنی**
**خوابشان را پرانده است**
**اصلا هر چه فکر کنی**
**خواب فراری تر می شود**
**و آرزوی گرم همدمی خیالی، بیشتر**
**بخواب! بخواب!**
**بخواب و دل رها کن**
**به تارتار شبت**
**پر از غریب**
**توی هر شهر**
**روی هر سنگ**
**هر بلندِ پر از تشویش**
**هر قله ی سبز شده در خیابان**
**و از جن**
**و از عبور اولِ شب**
**هرگز مترس**
**توی هر شهری می توانی**
**بی لالایی بخوابی!**
**بخواب!**
**راحت تر از گردش پسین گاه «دهرود»**
**دیگر قلعه ای نیست**
**خانه ای نیست**
**نخل صد و چند ساله**
**سر خم کرده**
**و بخاری خالی از هیزم**
**سرد**
**سردِ سرد**

# شاعری که در عصر طلایی شعر و ادب ایران ظهور کرد

## حسین نوری فیروزی



ضمن گرامیداشت سال کوچ شاعر بزرگ ایران و افتخار جنوب، زنده یاد منوچهر آتشی، ایشان یکی از شاعران تاثیرگذار در ادبیات ایران بود. شاعری که در عصر طلایی شعر و ادب ایران ظهور کرد و با شایستکی در کنار شاعران بنام هم عصر خود قرار گرفت. شاعرانی چون نادر نادرپور، هوشنگ ابتهاج، شاملو، کارو، سپهری، سهیلی، فروغ فرخ‌زاد و ... و فرصت یافت تا به همراه آنان استعداد و شایستگی‌های خودرا در دگرگون کردن شعر و ادبیات ایران به منصه ظهور برساند. می‌توان گفت آتشی و سایر اعضاء تیم دوران طلایی، شعر دگرگون شده پارسی را که بنیانگذارش نیما یوشیج بود، به زیبائی در بین ادب دوستان و مشتریان پروپا قرص شعر، ترویج دادند و از این نوآوری نیمایی دفاعی جانانه کردند.



**منوچهر آتشی در دفتر مدرسه**

ایشان سادگی و روان بودن شعر را به جامعه ادبی ایران آموخت و درست همانند استاد ایرج صغیری که بابکارگیری فرمهای سنتی در تئاتر، بدعت تازه‌ای در هنر نمایش گذاشت و شور و هیجان خاصی به اجراهای نمایشی داد، آتشی نیز با رویکردی بومی گرانه ضمن معرفی واژه‌های کهن و زنده کردن نامها و نشانه‌های زادگاه خود، حامی چیزهائی شد که در شعر شاعران دیگر جایگاهی نداشت.وی هیچگاه از اصل خود دور نشد و سعی کرد از فرصت بدست آمده سهمی نیز برای دیار خود نگهدارد.

زندیادان استاد نعمتی‌زاده و استاد منوچهر آتشی در دوره دبیرستان دبیر من در رشته زبان بودند. اما آن قدر مشتاق دانش ادبی این دو عزیز بودیم که در پایان کلاس، محور درس را به طرف ادبیات ایران و جایگاهش در ادبیات جهان سوق داده و درباره‌اش صحبت می کردند. البته درهمان دوره شخص سوم و چهارمی چون اساتید علی باباچاهی و شیرزاد محمد آقایی هم حضور داشتند اما منوچهر آتشی و محمدرضا نعمتی زاده در کنار زبان خارجه با اشعارشان کلاسمان را مزین به علم وادب می کردند.

آتشی از گزدان و عبدوی جت می گوید، از زاغ و بوف می گوید و چه مهربانانه برایشان می‌سراید. من عبدوی جت را از نزدیک دیده‌ام. انسانی مظلوم اما قوی بود، یک دستش قطع شده بود اما شتربانی میکرد و اصالتا جت بود. شادروان آتشی اورا به شعرش دعوت کرد تا اهل ادب بدانند در شعر آتشی جایگاهی مطمئن برای همه کس و همه چیز هست و خواهد بود. او خود مال و املاکی نداشت اما با زبان قلم، سعی می کرد انسانها و همه چیزهایی که حقی بر جامعه دارند اما محروم هستند را به صحنه بیاورد.

او هنرمندی به تمام معنی بود که با هنرش و قلمش ادبیات ایران را دگرگون کرد تا جایی که هم کتابش عنوان سال را گرفت وهم خودش گوی سبقت را از همه هم قطاران ربود و به عنوان چهره ماندگار ادبیات ایران معرفی شد. منوچهر شخصیتی خاص بود، شخصیتی که هرگز قابل فراموشی نیست.